

# مصدق با شاه؛ و نهضت ملی ایران

مصدق که بود، چه کرد، نقش شاه را چگونه میدید و نهضت ملی ایران را به چه سویی رهبری میکرد؟ اینها، اهم مسائلی است که در این چند هفته اخیر موضوع زد و خورد لفظی شدیدی بین جناحهای گوناگون انقلاب بوده است. اما متأسفانه حاصل این جدل - جز ایجاد هیاهو، حملات شخصی به یکی دو تن از شرکت کنندگان در بحث، و اعلان شعارهایی از دوسو - به روشن شدن اصل مسئله، که همان بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران و ارتباطش با حوادث جاری است، چندان کمکی نکرده است. مسائل تاریخی از آن قبیل نیستند که در یک مناظره شدید لفظی حل و فصل گردند، بلکه برعکس چنین طرز برخوردی با این مسائل، حل آنها مشکل تر خواهد کرد. مثلاً این واقعیت که مصدق مسلمان و نمازخوان بود، بخودی خود هیچ چیز را نمی رساند، مگر آنکه ما اعتقاد داشته باشیم که ملاک ارزش و اهمیت افراد، یا رهبران و روسای کشور در وهله اول نماز خواندن آنان است. آیا در این صورت بایستی ناصرالدین شاه را - که همه فرائض دینی خود را انجام میداد - انسانی صالح و مسلمان، بارهبری بزرگ بقیه در صفحه ۶

## ستون یادبود دکتر محمد مصدق و دکتر حسین فاطمی

باکمال مسرت اطلاع حاصل شد که دو ستون یادبود در مزار شهدای سیام تیر، یکی بنام پیشوای بزرگ و ضد استعمار مشرق زمین دکتر محمد مصدق و دیگری بنام دکتر حسین فاطمی شهید و سردار شایسته نهضت ملی ایران در گورستان ابن بابویه برپا میشود. این اقدام میهن پرستانه بابتکار گروه سیاسی ایران امروز انجام خواهد شد. روزنامه پرخاش - جنبه روزنامه نگاران ملی و همه آزادگان ایران زمین و رهروان طریقت مصدق این اقدام شایسته تحسین را تایید و آمادگی خود را برای هونوع همکاری اعلام میدارند.

# پر خاش

تأسیس: ۱۳۲۵  
دوره: بیست و نهم

شماره ۱۲ - سال ۲۴۴ - شنبه ۶ تیر ۱۳۵۸ برابر ۲۲ شعبان ۱۳۹۹ مطابق ۲۷ ژوئن ۱۹۷۹

# ملاطفت رهبری و قاطعیت دولت

## هفته پر باری را پشت سر گذاشته و با امید بیشتر به آینده کشور دل بسته ایم



عکسی از حضرت آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی در حضور حضرت آیت الله امام خمینی (این عکس در قم گرفته شده) مصاحبه اختصاصی رضایر امون خبرنگار پر خاش در آبادان با:

هفته گذشته در سرمقاله و سخن کوتاه هفته پر خاش دو مطلب اساسی را عنوان کرده بودیم که چرا سخن درشت را جانشین نوای محبت کرده ایم و باز هم چرا جاییکه رهبران چون دو چشم در کنار یکدیگرند جای دیدار و گفتگو مطلوب را بکام خیر چنان مفرغ میگذارند و کار کشور را به نابسامانی این هردو مسئول ما، با حسن اجابت تلقی شد، کلام رهبر انقلاب با مهر و صفا عجین گشته و با رافت و لطافتی که شایسته است از هرج و مرج، نابسامانی و استعمار دلپره در جامعه سخن میگویند. دستور آزادی زندانیان را صادر میکنند و شورای انقلاب نیز با تصویب قانون محاکمات، مقدمات انحلال دادگاهها و دادرهای انقلاب را فراهم کرده است. چنانکه میدانید هفته گذشته علمای اربع با یکدیگر دیدار کردند و آثار تقاهم و توحید کلمه آنان در زمینه قانون اساسی، نحوه تعقیب متهمان یکی پس از دیگری در گرفتار و کردار رهبران انقلاب و دولت آشکار شده است. ملی شدن بیمه های خصوصی نیز از گامهای ارزنده دیگری است که دولت بازرگان در جهت قطع وابستگی اقتصادی و تحدید سرمایه داری وابسته برداشته است و این خود درخور کلامی جداگانه است و تأییدی جانانه. ما از نخستین شماره پر خاش تاکنون همیشه و همه جا از

پراکندگی مراکز قدرت و تصمیم گیری و نداشتن برنامه صحیح دولتی در مقابله با این پراکندگی ها گله مند بوده ایم و اگر هرگاه از حد انتقاد هم جلوتر رفته ایم انگیزه ما اعاده حیثیت و اقتدارات قانونی و حقه دولت بوده است و اینک که بحمداله وحدت کلمه در میان رهبران دینی و سیاسی به اوج خود رسیده و آثار آن در ظرف همین هفته در تمامی شئون اجتماعی - سیاسی و اقتصادی و اداری مملکت رخ نموده است وظیفه داریم این پیروزیها را بر رهبر انقلاب و دولت تعینت بگوئیم چه بکمان ما همانقدر که پایبندی، تاکید و استقامت رهبری در مبارزه سرسختانه اش با رژیم گذشته درخور قائل و تحسین است در همان حد نیز نرمش و گرایش موجود نیز در راه تشکیل نیروها شایسته کمال احترام و حق شناسی است زیرا اگر رهبری انقلاب میخواست همه امور را با آن صراحت و قاطعیتی که در براندازی نظام شاهنشاهی بکار برده بود حل و فصل کند بدون تردید از توجه به دقایق مصلحت آمیز مسئله فارغ مانده و امکان توحید کلمه و تلاش متحد را در جامعه متعسر میساخت و اینک که رهبری با بینش خاص خود به اتخاذ تدابیر ملی و اجتماعی چنانچه در شان زعامت اوست دست یازیده و ستیز با دشمنان را با نرمش با دوستان قرین ساخته جا دارد بقیه در صفحه ۵

## گره دال خون

از آثار منتشر نشده سیداسدالله رسا - مدیر روزنامه قانون در صفحه ۴

## حضرت آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی

سیاسی عرب را منحل کند و تخلیه نماید و ممکن است بزود متوسل شود دنبال رهبران این دو مرکز فرستادم و از آنها خواستم برای جلوگیری از هرگونه درگیری و خونریزی مراکز خود

## نا امید کننده

از ششصد هزار تلفن که به مبلغ ششصد میلیون دلار خرید شده است و هزارتومان حق مشاوره پرونده کیفری تشکیل شده از تلفن هم خبری نیست. طرف مکالمه مهندس الکترونیک بود و وسایلیان دراز در کارمخابرات تجربه داشت حکایت کرد که در سالهای پیش و دوره وزارت ستوده تصمیم گرفتند ششصد هزار تلفن الکترونیکی خریداری کنند بمبلغ ششصد میلیون دلار از آمریکا آنها - قیمت درست سه تا چهار برابر قیمت تلفنهای بود که قبلاً داشتیم دوازده گاهام برخاست باطاق وزیر رفتیم و گفتم قربان تلفن دودستگاه عادی است که حرف را میفرستند و میگیرد مردم کاری ندارند وسیله انتقال لوکس است یا الکترونیک این واحدها گرانی دارند و از نظر فنی هم ما کارشناس آنها نداریم و باید مبالغ گزافی حقوق متخصص بقیه از صفحه ۴

## دو درد دل

### امیدوار کننده

هفتصد خلبان ورزیده و وطن پرست داریم ظرف دو ساعت متجاوز را بجای خود خواهیم نشانید دعائیات انقلابی و روحیه ماموران انتظامی گفتگویی داشتیم با یک افسر نیروی هوایی در این زمینه که شنیده بودیم خلبانان ما برخلاف اصول و قاعده پرواز مرتب ندارند و اگر امر بدین منوال بگذرد نیروی هوایی ما قدرت عمل و دفاعی خود را از دست خواهد داد. این افسر در حالیکه شور میهن پرستی از چشمانش بر کلام میریخت توضیح میداد که ما هنوز هم و شاید تا سالهای بعد قویترین نیروی هوایی در خاور میانه خواهیم بود و با وجودی که مختصر بی ترتیبی در پروازهای تمرینی خود پیدا کرده ایم هنوز هم قویب هفتصد نفر بهترین خلبانان دنیا را در اختیار داریم که هیچیک از کشورهای مجاور قسمتی از آنها دارا نیستند - خلبانها واقعا معتاد به پرواز هستند و حالا که بدلائلی کمتر هواپیما برای پرواز آماده میشود علی - الطلوع برای آغاز پرواز دقیقه شماری میکنند این خلبانها بالاترین درجه عشق به میهن و علاقه به انجام وظیفه در وجودشان عجین شده و از اینکه دیگر برای یک فرد خدمت نمیکند و خدمتگزار مردم و کشورشان هستند غرور و شادی هستند. ما شاهد بودیم که در هنگام تجاوز عراق بمرز ایران این خلبانها در پوست خود نمیکنجیدند و گوئی بشرف و حیثیت شخصی شان توهین شده (ما باید هر پرواز آنها را با ده پرواز جواب میدادیم) بقیه در صفحه ۵

س- حضرت آیت الله استوار میشود که در وقایع خونین خرمشهر انگیزه درگیری مسلحانه چه بوده است؟

ج- وقتیکه در قم بودم با حضرت آیت الله امام خمینی مذاکراتی انجام دادیم در ۹ مورد و ۹ ماده با یکدیگر به توافق رسیدیم در مراجعت به خرمشهر ملاحظه کردم که دولت اصرار دارد کانون فرهنگی و سازمان

## یادی از شادروان دکتر محمد نخب

ترقی طلب را از مسیر اصلی نهضت ملی و تاریخی ایران منحرف سازند و ارداتی مورد استفاده قرار دهند در این میان تنی چند از جوانان آزاده و وطنخواه و مسلمانان روشنفکر در شرایط حساس و جنجالی آنروز نسبت به سرنویشت مبارزه تاریخی مردم ایران احساس مسئولیت میکردند و رهائی ملت ایران را از چنگال استعمار و استبداد و استثمار و استقرار حاکمیت ملی و تامین استقلال کامل سیاسی و اقتصادی ایران از طریق تکامل یک نهضت اجتماعی بر مبنای جهان بینی توحیدی و اشاعه ایدئولوژی اسلامی بمفهوم بقیه در صفحه ۲

حمله متفقین در جنگ جهانی دوم به ایران در سال ۱۳۲۰ که تغییر شرایط سیاسی و فرار رضاخان فلندرو دیکتاتور دست نشانده انگلیس را بدنبال داشت آزادی های محدودی برای مردم به ارمغان آورد و زمینه را برای پیدایش احزاب و جنبشهای اجتماعی و سیاسی فراهم ساخت در این هنگام برای انحراف توجه عمومی از مسائل اساسی مبارزه ملی و رهائی بخش احزاب و نیروهای متعددی تحت حمایت قدرتهای برکنانه در عرصه پیکار اجتماعی ایران بوجود آمدند و تاحدی موفق شدند قسمت عظیمی از مردم و مخصوصاً جوانان آزادیخواه و





This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

[www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing](http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing).

قبول توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.



# سندرسواکننده درباره فلسطین

(مواد ۶-۲) قانون تحت‌الحمایگی فلسطین مهم-ترین سندرسواکننده بریتانیا در مورد بیعدالتیهاییکه نسبت ب مردم غیر یهود فلسطین انجام داد - بشمار (میرو)

زیرا در ماده ۶ همان قانون چنین آمده (چنانچه اداره کردن فلسطین بحقوق و اوضاع و احوال مردم اقوام دیگر ساکن آن سرزمین نظمه وارد نسازد- انگلیس میتواند برای تسهیل امر مهاجرت یهودیان طبق شروط متناسب اقدام نماید. و میتواند اداره یهود را که در ماده ۴ همان قانون به آن اشاره شده کند و یاری نماید تا وطن قابل اطمینانی برای یهودیان در روی زمین در جایی که املاک و اراضی غیر آباد که مورد نیاز سایر ساکنان آن سرزمین نباشد بوجود آورد) حال باید دید آیا دولت تحت‌الحمایگی این هدفها را تحقق بخشید یا خیر؟ و آیا در جلوگیری از اخلاص بحقوق اعراب ساکن فلسطین توفیق حاصل نمود یا خیر؟

اقدامات بعدی نشان میدهد که دولت تحت‌الحمایگی (بریتانیا) هدف نخستین و اساسی از قانون قیمومت را پنهان داشت. آن هدف عبارت بود از اجراء مفاد ماده ۲۲ پیمان سازمان ملل متحد - و رهبری کشورهای تحت قیمومت در مسیر استقلال کامل بوسیله تکمیل نمودن سازمانهای دولتی آن کشورها. در صورتیکه اوضاع بعد از تحت‌الحمایگی نشان میدهد که بریتانیا هیچ پیشرفت و اقدام قابل ذکری در راه تکامل موسسات حکومت طبیعی مردم فلسطین بوجود نیاورد. زیرا انگلیس قلیا طرفدار صهیونیسم بود و صهیونیسم هم با دادن هرگونه فرصت و قدرت واقعی به ساکنان غیریهود فلسطین شدیداً مخالف بود.

از زمانیکه تحت‌الحمایگی در سال ۱۹۲۲ شروع و در روز ۱۵ مه ۱۹۴۸ خاتمه یافت تمام قدرتهای قانونی و اجرائی فلسطین در دست حکومت بریتانیا بود که نماینده او در فلسطین اجرا میکرد. ولی در همان موقع بود که تمامی حقوق ذاتی اعراب در تشکیل دولت واقعی انکار میشد - حتی در اداره امور شهرهای آنان مسامحه میشد. ولی در همان زمان یهود مورد توجه خاص بریتانیا بود - و از مفاد ماده ۴ قانون تحت‌الحمایگی بهره برداری زیاد میکرد - چون در ماده ۴ تصریح شده بود به اینکه (اداره وکالت یهود نماینده همه یهودیان شناخته شده میتواند در اداره امور اقتصادی و اجتماعی فلسطین و درباره سایر اموریکه برای ایجاد وطن و قومی یهود مفید است مشاوره و اقدام نماید.) این بود که نظام صهیونیسم برسمیت شناخته شد و نام اداره وکالت را بخود گرفت تا وکالت تصریح شده در بیانیه بلفور معتبر شناخته شود.

در اثر این حمایتها بود که اداره وکالت یهود مرکب از صهیونیسمها با همان خصوصیات بیگانه‌ای خود رونق گرفت و در داخل حکومت فلسطین حکومت تشکیل داد. حکومت بریتانیا در اثنای تصدی تحت‌الحمایگی دو مرتبه تصمیم گرفت که قصد خود را مبنی بر آزادی حکومت فلسطین اعلام بدارد. لکن در هر دو دفعه بواسطه مخالفت جدی یهودیان این قصد به مرحله اجرا در نیامد. در نتیجه حق مشروع اعراب فلسطین بواسطه مخالفت یهودیان از بین رفت. مذاکره اولی در سال ۱۹۲۲ انجام شد و جریان آن چنین بود نظامنامه دستور فلسطینی که برای سال ۱۹۲۲ نوشته شد و شامل خط مشی فلسطین در سالهای تحت‌الحمایگی بود و در بند ۱۷ همان دستور کیفیت تشکیل مجلس قانونگذاری فلسطین تصریح شده بود که رئیس آن مجلس نماینده بزرگ بریتانیا میشد و ۲۲ عضو داشت که ۱۱ نفر آن اعضای رسمی و ۱۱ نفر دیگر اعضای علی‌البدل بودند. انتخابات در سال ۱۹۲۳ انجام شد ولی طولی نکشید که بطلان آن اعلام گردید. و بعد از آن هم هیچگاه انتخاباتی بعمل نیامد. بنابراین مفاد ماده ۱۷ دستور تحت‌الحمایگی عملاً ملغی شد و بجای آن بیانیه صادر شد که قدرت کامل قانونگذاری را به نماینده بریتانیا تفویض میکرد.

از کتاب (فلسطین در پرتو حق و عدالت)

## آگهی مناقصه

شرکت دخانیات ایران دو قلم کالا مورد نیاز خود را بشرح زیر:  
۱- تراورس روسی با ابعاد ۱۵ × ۲۵ × ۲۷۵ سانتیمتر یکصد متر مکعب  
۲- الوار جنگلی با ابعاد ۱۵ × ۲۵ × ۲۸۰ سانتیمتر دویست متر مکعب  
از طریق مناقصه خریداری مینماید پیشنهادهندگان و شرکت کنندگان در مناقصه بایستی مشخصات و شرایط مناقصه را از اداره خرید داخلی این شرکت واقع در خیابان ایرانشهر شمالی دریافت نموده و پیشنهاده خود را باتوجه به مشخصات و شرایط دریاقتی تهیه و حداکثر تا ساعت ۹ صبح روز ۵/۸/۵۸ به اداره دبیرخانه شرکت دخانیات ایران تسلیم نماید پیشنهادهای رسیده در ساعت ده صبح همانروز در شرکت دخانیات ایران باز و قرائت خواهد شد.

۲- الف ۵۱۷۷ آ- ش- ۱۱۱ شرکت دخانیات ایران

واقعی و قهرمانی آن عملی می دانستند لذا برخورد واجب دانستند که شروع کننده پیکاری روشنگر و نجات بخش و عمیق باشند. یکی از کسانی که پیش از حد در این جهت احساس مسئولیت کرد و یکی از آغازگران معدود چنین مبارزه‌ای شد مرحوم محمدنخشب بود.

نخشب با شناخت و ایمانی که نسبت به ایدئولوژی اسلامی داشت در سال ۱۳۲۲ در بحبوحه قدرت احزاب وابسته به بیگانه همراه و همپای معدودی از همفکران عداوتخواه و استقلال طلب آزاده خود یک حرکت اصیل و مرفقی اجتماعی را برپایه مکتب توحیدی و طرز تفکر خدایپرستی و اصول سوسیالیستی اسلام آغاز کرد و تا لحظه مرگ در راه تحقق هدف خود تلاش نمود و همفکران او که هنوز هم راه او را دنبال می کنند خوشحالند که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران هر روز که تاریخ بیکار ملتهارق میخورد صحت نظر و درست‌ترهشان بیشتر به ثبوت میرسد و آرمان مقدس آنها که نجات خلقها و مستضعفین از قید ظلم و استبداد و زهائی ملت‌ها از چنگال استعمار و سرمایه داری بین‌المللی و شناخت ارزش والای انسان بعنوان جانشین خدای زمین و برقراری سوسیالیسم و دموکراسی که خود دو جلوه از یک حقیقت «حکومت مردم بر مردم است» و تنها در سایه ایمان بخدا و اصول راستین اسلام و استقرار حکومت اسلامی میسر است عملی میگردد.

این جنبش فکری و اجتماعی که نخشب متکسر و یکی از معدود آغازگران آن در ایران بود و بنام نهضت خدایپرستان سوسیالیست نام گرفت با رشد سریع خود، در سالهای بعد موفق شد در صحنه مبارزات ملی و ضد استعماری علیه گرایشهای انحرافی ماتریالیستی، ارتجاعی، بیگانه پرستی و قشری و خرافی نقش مؤثری در رهبری و ارشاد نسل جوان ایفا کند.

رهبران و اعضاء نهضت خدا پرستان سوسیالیست در دوره‌های مختلف مبارزه مردم ایران علیه استبداد شرکت مؤثر داشتند و در مبارزه ضد استعماری ملی شدن نفت برهبری پیشوای ملت شادروان دکتر محمد مصدق از آغاز بطور فعال شرکت نمودند آنها با تشکیل حزب مردم ایران که یکی از احزاب جنبه ملی بشمار میرفت و خود از تشکیل دهندگان نهضت

## یادی از شادروان دکتر محمد نخشب

مقاومت ملی و از نیروهای فعال جنبه ملی دوم و از موسسین جنبه ملی سوم بود. اعضاء حزب مردم ایران در داخل و خارج از کشور در هر شرایط بمبارزات خود ادامه داده و در انقلاب اسلامی نیز بانجاء مختلف همکاری مؤثر داشته‌اند.

نخشب و همکامانش در مبارزه طولانی خود متحمل زندانها و شکنجه‌ها و لطمات مالی و خانوادگی فراوان شده و در هر محیط و در هر شرایط بنحو مؤثر و شایسته‌ای در راه تحقق هدف مقدس مکتب خود گام برداشته و مبارزه کرده‌اند.

نخشب وقتی در سال ۱۳۳۷ بناچار خاک وطن را ترک کرد و به آمریکا عزیمت نمود در آنجا پایه گذار تشکیلات جنبه ملی گردید و بعدها به پیروی از ایدئولوژی مورد نظرش که همان ایدئولوژی اسلامی است بغایت پرداخت و در سالهای آخر عمرش موفق شد اتحادی را بین مسلمانان سیاه پوست و فرقه‌های مختلف اسلامی مقیم آمریکا و پاکستانها و ایرانیها پایه گذاری کند بقول یکی از یاران همفکرش که امروز وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران است و شب آخر عمر نخشب ناظر فعالیت او در جلسه‌ای برای اتحاد مسلمین بوده آخرین برك چکی که قبل از مرگ از حسابش صادر نمود، برای کمک به جنبش «حرکت المحرومین» شیعیان لبنانی برهبری امام موسی صدر بوده است در اختیار گرفتن سائلی از سازمان ملل در روزهای جمعه برای برگزاری نماز جمعه و طرح مباحث ایدئولوژیک در آن که با حمایت و همکاری نمایندگان ممالک مرفقی و انقلابی اسلامی نظیر الجزایر و سوریه انجام گرفت و مورد استقبال مسلمین آزاده و روشنفکر مقیم نیویورک واقع شد.

او کتابخانه‌ای در آنجا که کتابها و نشریات را که اصول راستین اسلام را توجیه میکند در اختیار علاقمندان میگذازد که بعد از فوت نخشب بنام او نام گذاری شد از محمد نخشب در زمینه پی ریزی يك ایدئولوژی اجتماعی بر مبنای جهان بینی توحیدی اسلام که پایه ایدئولوژی انقلاب و مبارزه تاریخی مردم ایران گردید نقش بسیمار مؤثری بر عهده داشت و مقالات و جزوات و کتابهای متعددی در این زمینه منتشر کرد و عده کثیری از

مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی

آگهی تاسیس شرکت مافارو با مسئولیت محدود

شرکت مافارو با مسئولیت محدود در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲۵ تحت شماره ۳۳۶۴۰ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

- ۱- موضوع شرکت: انجام کلیه امور مربوط به راه و ساختمان و تاسیسات فنی طرح - محاسبه - واردات و صادرات و داد و ستد کلیه کالاهای مجاز و هر نوع کارخانجات تولیدی و تاسیس کلاسهای تخصصی و فنی و غیر فنی و اخذ نمایندگی از خارج و یا داخل کشور
- ۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان آیزنهاور خیابان زنجان شمالی خیابان سهروردی خیابان رزن خیابان آزاده پلاک ۱۴ طبقه دوم
- ۳- سرمایه شرکت: مبلغ دویلمیون ریال
- ۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقای مهندس جهانیار جهان رخشان بسمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره - آقای مهندس عزت‌اله رضضانی بسمت عضو هیئت مدیره انتخاب شدند و حق امضاء اوراق و اسناد بهادار و قراردادهای تعهد آور از قبیل چک و سفته و برات و اسناد رسمی مربوط به شرکت با مدیرعامل و مهر رسمی شرکت معتبر خواهد بود.

مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی

آ- ش- ۱۱۵ م الف ۵۹۹۳

موضوع اصلاح سیستم اداری محیط اجتماعی در کشور های در حال رشد باتوجه مخصوص به شرایط ایران برشته تحریر در آورد که جداگانه بصورت کتابی به زبان انگلیسی چاپ و منتشر شده است و با تحقیقات عمیقی در کشورهای افریقائی و آسیائی «عقب نگه داشته شده و استعمار زده» نمود دانشگاه نیویورک به او عنوان محقق ممتاز داد و گواهینامه محقق ممتاز بنامش صادر کرد.

از لحاظ اداری در وزارت دارائی سازمان برق و شهرداری تهران و سازمان برنامه خدمت کرده و مشاغلش داشته و پس از بازنگستگی چند سال بعد از عزیمت به آمریکا در سازمان ملل بعنوان کارشناس محلی استخدام و مشغول کار شد.

شادروان دکتر محمد نخشب مسلمان متعهد، متفکری روشن- بین، مجاهدی با ایمان، مدیری آگاه و آینده نگر و انسانی نوع پرور و دوستی فداکار و صمیمی بود. واقعا جایش در این بهار آزادی و پیروزی مردم ایران خالی است. روایتش شاد و خدایش پیامرزد.

مرحوم نخشب با پرخاش همکاری صمیمانه داشت در ۲۸ مرداد مدیر پرخاش و نخشب چند سال متوالی باهم تحت تعقیب - منتظر خدمت متواری و بازداشت میشدند سردسته یاران این مرد متفکر بزرگ دکتر شریعتی بود که نامش جاودانه گشت و هم- اکنون در دولت یازدگان آقایان دکتر شریعتمداری وزیر علوم- دکتر اسلامی وزیر پست و تلگراف - دکتر سامی وزیر بهداری - مهندس ایزدی وزیر کشاورزی از یاران اویند.

و از مبارزان خارج، دکتر یزدی وزیر امور خارجه - صادق قطب‌زاده در شمار همگامان او بوده و باهم مبارزه مشترک داشته‌اند.

پرخاش با انتشار این یادداشت امیدوار است که سهم خود را در تجلیل از همدمی که دیگر یاران کمتر بیادش افتاده‌اند در بهار پیروزی مردم مسلمان ایران، ادا کرده باشد.

آگهی تاسیس شرکت تهویکار با مسئولیت محدود

شرکت تهویکار با مسئولیت محدود در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲۴ تحت شماره ۳۳۶۳۰ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

- ۱- موضوع شرکت: انجام کلیه امور مربوط به خدمات در زمینه تاسیسات صنعتی - ساختمانی - بهداشتی - نصب و نگهداری، تعمیرات، راه‌اندازی، تاسیسات برقی - مکانیکی- شوفاژ و تهویه مطبوع و سردخانه و دیگر تاسیسات مشابه نگهداری تعمیرات و راه‌اندازی- تاسیسات مزبور در شرکتها و مجموعه‌های بزرگ و انجام کلیه معاملات مربوط به موضوعات فوق - وارد کردن و فروش لوازم یدکی ماشین آلات و قطعات مورد لزوم- ایجاد و تعمیرگاه جهت سرویس منظورهای فوق- انجام معاملات بازرگانی مجاز و دیگر عملیات که بطور مستقیم یا غیر مستقیم با موضوعات فوق بستگی داشته باشد.
- ۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان شاهرضا- گرگان شماره ۵۶۴
- ۳- سرمایه شرکت: مبلغ یکمیلیون ریال
- ۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقای کریم ریاضی ارسنی بسمت مدیرعامل و آقای رحمان ریاضی ارسنی بسمت رئیس هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند حق امضاء کلیه اوراق و اسناد از قبیل چک و سفته و برات- قراردادهای تعهد آور و غیره متفقاً با امضاء مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر میباشد.

آ- ش- ۱۲۲ م الف ۵۲۹۲

(محاكمه جنایتكاران انهي)

اگر مایلید بدانید که ابرقدرتها و مدعیان حمایت از حقوق بشر چه خواب وحشتناکی برای آینده جوامع روی زمین دیده‌اند کتاب (محاكمه جنایتكاران انهي) را که کاظمی خلخالی عضو هیئت تحریریه این روزنامه آنرا نوشته و انتشارات بوعلی (واقع در میدان شهیدا) انتشار داده است. حتما مطالعه فرمائید.



باری چو فسانه میسوی ای بخرد  
افسانه نیک تو نه افسانه بد  
من بنوشتن حوادث زندگی خود مخصوصا حوادث تلخ و دردناکی که با آنها روبرو شده‌ام تا آنجا که بصورت آدم بت شکسته‌ای درآید نه علاقه‌دارم نه اعتقاد زیرا از سرگذشت من و امثال من دوستان متأثر میشوند و دشمنان شاد و من نه به تأثر راضی هستم و نه برای آن شادی اعتباری قائل می‌شوم و از لسان العیب حافظ بلند همت خوشم میاید که میگوید:

گر زنج پشست آید و گر راحت ای حکیم

نسبت نده بغیر که این‌ها خدا کند  
با این حال در بین حوادث شوم و تلخ توقیف‌ها، تبعیدهای پی در پی که بگناه حق گوئی و حق پرستی و تسلیم نشدن در مقابل قلدرها با آن روبرو میشدم این حادثه را که بر اثر وقوع آن در خون خود غوطه‌ور شدم برای عبرت نسل حاضر و نسل‌های آینده و آشنا شدن بطرز رفتار عمال دیکتاتوری خیلی خلاصه و دست و پاشکسته یادداشت میکنم. و نام آنرا بمناسبت افتادن در گودال خودن "غرفه در گودال خون" میگذارم.

سعی من این است جریان حادثه بدون کم و زیاد یادداشت شود و امیدوارم این نظر تامین شده باشد.

در اول اسفند ۱۳۰۹ که تازه از تبعید سمنان برگشته بودم و کشور محنت‌زده ما با اصل نامطبوع دیکتاتوری اداره میشد و از بد گرفتار بدتر شده بودیم و جریحه کم کاری و بی‌لیاقتی دوره قاجاریه را پس می‌دادیم هنوز نیمه رمقی از قوای خسته و وامانده ملی در مجلس و مطبوعات باقی بود و معدودی از زعماء ملی یک زندگی محدود و ساکتی داشتند و خفگی احساسات به حد اعلی نرسیده و ماشین شوم و بدقواره اختناق تا آخرین درجه کوبک نشده بود من دوستانم تا آنجا که مقدور بود مجاهدتی میکردیم و لاقط بمرک آزادی و مشروطیت و محو کلیه آثار ملی میگریستیم. گرچه گریستن هم، ممنوع بود و هم غیر مفید! من گرفتار این حادثه شدم.

من جوان بودم و فعالیت زیادتر بخرج میدادم - قوای جوانی خوبی هم داشتم و کمتر خسته میشدم. و بهمین جهت زیادتر و زودتر از همه مورد تهدید و تعقیب قرار میگرفتم.

این راهم باید تذکر بدهم که من و دوستان من با قدرت حکومت مرکزی مخالف نبودیم و از هرج و مرج همیشه فرار میکردیم و در قضیه جمهوری هم که بعدها نام جمهوری قلابی روی آن گذارده شد، از این جهت در صف مخالف جای گرفتیم که پشت پرده متزائل و رنگ رفته جمهوریت هیولای مخوف دیکتاتوری دیده میشد و این نهایت بی‌رحمی است که کسی ما و دوستان ما را مخالف حکومت مرکزی و دشمن امنیت و انتظام و موید هرج و مرج بداند و مرتکب این همه جنایت بشود.

ما میخواستیم و میخواهیم حکومت مرکزی بماند و قوی و عادل باشد و به سفره‌ای که حاصل آن مخصوص و مربوط بملت است دست درازی نکنند و با شمشیری که از دست ملت گرفته کردن افراد بی‌گناه همان ملت را نبرند.

ما میخواستیم در راه بدست آمدن قانون اساسی خونهای زیاد ریخته شده است و باین مقی و آسانی نباید از بین برود ما میخواستیم این سند محکم را که ملت ایران ضامن بقای عدالت و مشروطیت میداند نباید لگدمال کرد و دور انداخت و در عوض باید جلوی ضعف و هرج و مرج و ملوک‌الطوایفی را و خان‌خانی را گرفت. ما میخواستیم مرکز کل قوا ملت است و حرف آخر را همیشه باید ملت بزند و به هرچه اراده کند امر بدهد، ما میخواستیم بی‌اعتنائی به ملت یعنی اطاعت امر دشمنان ملت... ما این حرف را می‌زدیم و از گوییم.

این مطالب حمایت میکردیم و به همین جهت قسمت اعظم عمرمان را در گوشه‌های تنگ و تاریک زندان و در تبعیدگاه‌ها می‌گذرانیدیم چون سخت افسرده و پژمرده شده بودم برای مدتی تصمیم به گوشه‌گیری گرفتیم، گرچه نشاط ظالمان بالای گوشه‌نشینی است.

در یکی از خیابانهای حول و حوش حشمت‌الدوله و کاخ در آن تاریخ غیر مسکونی بود و تمام آن حدود منظره صحرائ وسیع و وحشتناکی داشت خانه کوچک تازه‌سازی اجاره کرده و باناراحتیهای زیاد با خود و همراهانم در اینجا زندگی میکردیم.... این خانه به پیرزن روشنفکری تعلق داشت موسوم به بی‌بی‌جان این پاداش خدمات ملی ما بود ولی کاخهای سربه‌فلك کشیده و با مدرن‌ترین وسایل عیش و نوش پاداش جنایات رجال خائن و وطن‌فروش بوده است.

این خانه جدید من با اینکه در نقطه‌ای دور افتاده بود باز از زیر نظر پلیس و ماموران چشم و گوش بسته و بی‌وجدان آگاهی دور نبود و سکونت من در آنجا خلوت آن حدود را از بین برد و در حالیکه بندرت کسی رفت و آمد میکرد جمعیت زیاد شدند و خانه های خالی حوزه مستاجر یا خریدار پیدا کرد ماموران شعبه چهارم آگاهی هم که کامران ضربخواه معروف رئیس آن بود وقت و بی‌وقت در آن حدود مشغول تحقیق و تجسس بودند که شاید چیزی تازه بیابند و مطلبی را بهانه جلب من قرار دهند. رئیس شهرداری در این اوقات سرلشکر آیرم بود که بالاخره همه به ولینعمت‌های ناپاکتر از خودش خیانت کرد و از ایران فرار نمود. آیرم بطوریکه معروف بود بصورت خواجه‌ها افتاده و بهمین نظر عنصری سفاکو بی‌عاطفه و از درک اصول آزادی و حریت عاجز و نمیتوانست درک کند و بفهمد عشاق گل و زیبایی چه میگذرانند.

مرحوم بهار که غالباً با ما هم‌زنجیر بود در یکی از غزلهای مشهور خود این شعر را جای داد که:

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید

قسم را بچمن برده دلم شاد کنید

هر وقت این شعر بیامد زارزار میگرییم. چون قفس را دیده‌ام و هم محبوس در قفس را... آیرم را میگویم! از سفاکی و سست‌عهدی پادو و رئیس شهرداری رضاشاه را... آیرم جز پول و مقام و مرتبه چیزی را دوست نمیداشت و هیچکس هم او را بنظر دوست نمینگریست!...

از آثار منتشر نشده سید اسدالله رسا مدیر روزنامه قانون  
بنام خداوند بزرگ و مفتحم

# در گودال خون!؟

یکروز آقای احمد مقبل دوست قدیمی من که از جریان مخالفت با قرارداد ایران و روس با هم مراد داشتیم و با هرج و مرج بی‌ارتباط نبود از او میپرسد چرا با رسا اینطور رفتار میکند این احمق جنایت‌کار میگوید رسا مغرور است و بمن اعتنا نمیکند. شما را بخدا فکر کنید ملاک دوستی و دشمنی در نظر وبعقیده این جانی چیست؟...

من چون به یک نظمی‌چی قدر و بی‌سواد که با تعهد کشتن افراد بیگناه چندصباحی کاری پیدا کرده است اعتنا نمیکنم و نباید هم بکنم باید در اطاق‌های تنگ و تاریک زندان‌ها بمیرم و خانواده‌ام نابود شوند!... تف باین انسانیت. آیا این دهنمشی است یا انسانیت؟... جواب این سؤال را تاریخ از زبان مورخین در یک محیط آزاد خواهد داد!...

آیرم مانند درگاهی بانهایت منفوریت و بدنامی مردوهنگام مرگ شنیدیم یک نفر از او ذکر خیری نکرد.

با این حال خدا از تقصیرهای او بگذرد که بار گناهانش خیلی سنگین بود.

دانشجویی که مقابل منزل من سکونت داشت روزی از من پرسید این ماموران رنگ وارانک اینجا چکار میکنند؟ شما که یکنفر بیشتر نیستید؟ گفتم من یکنفر هستم. قلم من و احساسات و افکار من وحس مقاومت من هم از شرکاء جرم من هستند... شور وطن پرستی و اعتقاد به حفظ مبانی حریت و آزادی هم دوش بدوش و سایه بسایه من حرکت میکنند!...

راستی شور وطن پرستی چه شور مقدسی است؟ این شور در هرسی پیدا شود عاقبت آن سر بیاد خواهد رفت. چون خیانت کاران و جانیها با این شور مقدس دشمنی و کینه دیرینه دارند. این شور نشانه کامل انسانیت است و زیباترین جامه افتخار نیز در همین جامه و همین شورا است. اما باید یقین داشت با مظالمی که بدست مخالفان این شور نسبت به وطن پرستان اعمال میشود هیچکس بخاموشی کردن و نابود ساختن این شور قادر نخواهد بود

قدرت خداپرستی هم همین اندازه است. خداپرست واقعی و

حقیقی مانند وطن پرست حقیقی محکم تر و ثابت تر است. یکی از افتخارات عظیم و مهم این زیبایی و جذابیت صفحات کتاب شهداء راه دین است. اگر من بگویم کلیه افتخارات دنیا در همین صفحه سمین متمرکز شده است مطلبی بگزارف نگفتم. اگر شهداء دینی نبودند دنیا از کفر و سیئه بینی میباید میشد و سرور کار همه افراد بشر بت پرستی بود یعنی چیزی را ابلهانه بدست خود می تراشیدند و احقانه میپرستیدند!...

در هر حال دوستی وطن از ایمان است و من باین جمله اعتقاد کامل دارم و آنرا برای نجات و سعادت بشر دارای عالی‌ترین مفاهیم میدانم.

بدون تردیدی بی‌دینی و بی‌وطنی در یک ردیف است و هر که دین ندارد وطن ندارد و هر که هم وطن ندارد دین نخواهد داشت. بدنیست کمی حاشیه برویم و مختصری از طرز کار و فکر و شوق الدوله رئیس الوزراء عاقد قرارداد ایران و انگلیس را با یاد کردن از حکومت دیکتاتوری بی‌وطن در ایران بعد از ناصر الملک صحبت کنم.

بالاخره بی‌عرضگی و سفاکیت دربار قاجاریه که هیچوقت تاریخ آنرا فراموش نخواهد کرد از قبیل قتل قائم مقام، قتل میرزا تقی خان امیر کبیر که این هردو از شخصیت‌های بارز و لایق و متفقد کشور در دوره قاجاریه بودند و ضعف مظفرالدین شاه و سفاکی محمدعلیشاه که بهمین علل روزگار کفش پادشاهان قاجار را جفت کرد و برای آخرین بار و خالی نبودن عریضه احمدشاه که خیلی جوان و بسن قانونی نرسیده بود سلطنت برگزیده شد و پس از عضدالملک، ناصرالملک که یک عمر مطیع سیاست انگلیسی‌ها بوده بسمت نیابت سلطنت معرفی گردید ناصرالملک مردی محتاط و قرسو و بی‌اراده بود و در دوره او اختلافات زیاد در کارها پدید آمد و نایب‌السلطنه هم از فرصت استفاده کرده و تقاضا کرد دستجات مختلف خودشان را معرفی کنند و دموکرات و اعتدال و احزاب دیگر پدید آمدند و بدینوسیله اختلاف و تباین نظر سرقاسم ممالک را بخاک و خون کشانید و افراد تحصیل کرده و روشن فکر که سعی میکردند میرزا حسین خان مستوفی‌الممالک را به نیابت سلطنت برسانند و ناصرالملک را از میان بردارند توفیق نیافتند و مدتی کشور گرفتار کودتای ناصرالملک بود.

یکی از شعراء معاصر گفت:

دیدید با ما چه کرد آن همدانی  
یک سره بر باد داد ملک کیانی  
یادداشت‌های رسا در اینجا نیمه کاره مانده و نتوانسته است داستان رگش را که در شهربانی زده بودند بنویسد.

## سیکو کوآرتز



**دقتی را ارائه میدهد  
که فقط از سیکو میتوان انتظار داشت.**

# SEIKO

**Quartz**

1290 آرا بخارند



### با حضور آیت الله شیخ محمد طاهر



خبرنگار پرخاش درحال مصاحبه با حضرت آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی

بقیه از صفحه ۱

پنجشنبه همان هفته مهلت خواستند روز سه شنبه شب بمن خبر رسید که در صدند که باین دو مرکز حمله کنند برادرم شیخ عیسی خاقانی و آقای الیاسی یکی از روحانیان و حجت الاسلام دیباجی را جهت مذاکره با آقای مدنی استاندار به فرمانداری خرمشهر فرستادم و با اطلاع آقای مدنی استاندار خوزستان رساندم که روز پنجشنبه مراکز فوق تخلیه و منحل میشود و ایشان نیز موعود مربوطه را قبول کردند مذاکرات آقایان با آقای مدنی تا ساعت ۲ نصف شب بطول انجامید و بعد بر این اساس که روز پنجشنبه موعود تخلیه است مذاکرات پایان یافت اما دوساعت بعد به مرکز فرهنگی و سیاسی عرب حمله و جنگ مسلحانه شروع می شود و در اثر این وقایع تعداد کثیری از مردم بی گناه که ارتباطی با مراکز فوق نداشتند کشته میشوند تعداد کشته شدگان معلوم نیست ولی عده بی شماری زخمی شدند که باز تعداد آنان معلوم نیست.

س - چه عواملی در این وقایع دست داشتند آیا این عوامل تا امروز شناخته شدند یا نه ؟

ج - مابعضی از ماموران دولت را عامل این کشتار میدانیم. و از علت آن بی خبریم.

س - بعد از این وقایع گروه هائی که در این آشوب دست داشتند دستگیر شدند یا خیر؟

ج - کسی تاکنون دستگیر نشده و موضوع تعقیب و دنبال شده است.

س - ممکن است درباره مسافرتی که به قم کردید به حضور امام رسیدید بفرمائید درباره چه موضوعاتی بحث و گفتگو شده.

ج - یکی از مسائلی که با امام خینی مطرح کردم این بوده که نوع جمهوری همان جمهوری اسلامی رئیس جمهور مسلمان شیعه اثنی عشری و مذهب آن شیعه اثنی عشری باشد - دوم افرادی که در راس کارگمارده میشوند افرادی متدین مومن و سیاستمدار باشند سوم - اینکه احترام اهل علم حقیقی از هر نظر مراقبت گردد چهارم - رادیو تلویزیون در انحصار دسته یا گروه معینی قرار نگیرد و همه بتوانند از آن استفاده کنند و مورد بعدی این است که آزادی فردی و اجتماعی کلیه احاد کشور رعایت گردد تا جائیکه

آزادی آنان به جمهوری اسلامی لطمه وارد نسازد و مورد بعدی این بوده که در تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس موسسان تصریح گردد بطوریکه این قانون مورد قبول مردان سیاستمدار و حقوق دانان و افرادی که صلاحیت اظهار نظر دارند قرار گیرد.

س - بفرمائید این روزها شایعاتی در مورد رفتن شما از ایران بر سر زبانهاست آیا این موضوع تاجه اندازه صحت دارد؟

ج - این خبرها بکلی صحت ندارد زیرا کشور من ایران است سعی و کوشش خود را در راه اسلام باید بکار ببرم نه اینکه در چنین موقعیتی سنگر را خالی کنم اما خدای ناکرده اگر تلاش و کوشش ما در جهت استقلال جمهوری اسلامی ایران بر طبق موازین اسلام و عدالت اسلامی و شرعی به جایی نرسد آنوقت ممکن است ایران را ترک نمایم.

س - در مورد این که دولت آقای مهندس بازرگان تا چه اندازه با خواسته های برادران عرب ما موافقت کردند توضیحی بفرمائید.

ج - آنچه که من از دولت آقای مهندس بازرگان خواستم این است که حقوق شرعی مردم عرب که در گذشته از آن محروم بودند در ردیفی مساوی با برادران فارس ما قرار بگیرند موافقت نمایند و آقای بازرگان این مطلب را پذیرفت.

س - در مورد اوضاع فعلی خوزستان آیا این امکان درگیری دوباره وجود دارد؟

ج - دولت اگر با مهربانی و ملایمت با مردم ایران رفتار کند و اعتماد مردم را بخود جلب نماید انشاء الله که اتفاقی چه در استان خوزستان و چه در استانهای دیگر پیش نخواهد آمد.

س - طبق اظهارات جناب آقای مدنی استاندار خوزستان افرادی که در خرمشهر آشوب برپا کردند از آنطرف مرزها حمایت میشدند نظر حضرتعالی چیست؟

ج - من بطور کلی از این موضوع اطلاعی ندارم.

س - در مورد قانون اساسی اخیر و تشکیل مجلس موسسان چه نظریاتی دارید.

ج - من هنوز فرصت مطالعه قانون اساسی را پیدا نکرده ام یعنی هنوز برایم بزبان عربی ترجمه نکرده اند و نمیتوانم در مورد آن اظهار نظر نمایم ولی در این مورد با نظریات حضرت آیت الله شریعتمداری کاملا موافقم.

بقیه از صفحه ۱

بدهیم در حد ماهی ده هزار دلار اجازه بدهید از همان دستگاههای معمولی که بر آنها مسلط هم هستیم بخریم جواش روشن بود تصمیم دولت است و من مداخله ندارم معلوم شد موثرترین عامل آقای مهندس اصقبا است بدقت ایشان رفتم و خود زامرفی کردم مرا پذیرفت مطالب را تکرار کردم جواب این بود دست ما نیست دستور داده اند و باید بخریم مایوس برگشتم - سالها از ماجرا گذشت - قرارداد بسته شد که ششصد هزار تلفن بخرند از نوع الکترونیکی آن تا حال حاضر از وجوه قرارداد چهارصد میلیون دلار به کمپانی آمریکائی داده اند و دریست هزار تلفن تحویل شده است هفته گذشته جلسه ای داشتیم در دفتر مدیر عامل شرکت مخابرات نمایندگان کمپانی آمریکائی را هم دعوت کرده بودیم طبق توصیه آقای وزیر یک مشاور حقوقی بنام آقای رضوی را بجلسه فرستاده بودند که فکر میکردیم خیلی بجا کمک خواهد کرد جلسه تشکیل شد مشاور اعزامی ابتکار عمل را بدست گرفت و با زبون فارسی سلیس بترجم گفت اول از این آمریکائیا بپرسید: انقلاب ما را قبول دارند؟ و پس از ترجمه آمریکائیا گفتند: Yes of Course

بعد گفت باز هم بپرسید جمهوری اسلامی را برهبری امام خمینی قبول دارند.

نماینده آمریکائیا گفت: پس وارد دستورشدم تلاش کردیم که اینکار را بجائی برسانیم قبلا همه ما مخالف بودیم که سرمایه مان را دور بریزند جنس گران بخرند ولی حالا دیگر کار از کار گذشته بود بیشتر پول را هم داده بودیم گفتیم شاید دستگاهها را از اینها بگیریم بالاخره پنج سالی کار میکنم و کارشناسانی هم بضرورت بخدمت میگیرم و انشاء الله پیش از خرابی دستگاه تعدادی از کارشناسان را هم پهلوی دست آنها میگذاریم تا بعد از کهنه شدن از عهده تعمیرات دستگاه برآیند اما مشاور حقوقی اعزامی مرتباً اشکالات قرارداد را میگرفت - امر قرارداد رفته عاقد فرار کرده - وجوه به امریکا منتقل شده حالا دنبال اتهام و متهم و قانون مجازات عمومی و تخلف و این قبیل حرفها جلسه بدون نتیجه تمام شد جلسه بعد هم همینطور بالاخره نتیجه کار یک اعلام جرم بلندبالا درباره اصل معامله بود که در روزنامه ها خواندید و حالا باید دنبال متهم بگردیم تکلیف تلفن هم معلوم نشد ولی فردای آنروز پیش از آنکه آقای مشاور حقوقی را به سفارت ایران در عربستان بفرستند یک صورت حساب شصت هزار تومانی فرستادند و شرکت هم پرداخت کرد - نمیدانم چه شد که بیاد این شعر افتادم:

بلبل به باغ و جغد بویارنه ساخته هر کس بقدر همت خود خانه ساخته حضرات قرارداد ششصد میلیون دلاری بستند و پول را به خارج دادند و سهم خود را گرفتند سهم مشاور ما هم شصت هزار تومان بود که گرفتور به سفارت رفت. حالا تکلیف تلفن های خریداری شده چه میشود؟

من که نمیدانم مسئولان امور هم که نمیدانند پس خدا میداند.



شرکت ملی نفت ایران

امور پخش

### قابل توجه مصرف کنندگان نفت و گاز دستگاههای حرارتی (شوفاژ)

نظر به این که در زمستان سال گذشته تعدادی از مقاضیان نفت گاز دستگاههای حرارتی (شوفاژ) که بدون عنایت توجه به اطلاعیه های مکرر قبلی شرکت کماکان سوخت مورد نیاز خود را از طریق افراد و مجاری غیرمسئول تهیه میکردند با مشکل تامین سوخت مواجه گردیدند لذا مجددا جهت پیشگیری از تکرار مشکلات گذشته و رفع گرفتاریهای این قبیل مصرف کنندگان ذیلا اسامی و شماره تلفنهای عاملین رسمی توزیع نفت گاز حرارتی را که براساس قرارداد منعقد شده در مقابل شرکت و مصرف کنندگان مسئول میباشد برای اطلاع عموم درج و تقاضا میشود حتما در مورد ثبت نام نزد یکی از عاملین مشروحه زیر از هم اکنون اقدام و از تامین نیازمندیهای خود از طریق مجاری غیر مسئول (غیر از عاملین رسمی نامبرده زیر) اجتناب فرمایند.

- |    |                         |                             |
|----|-------------------------|-----------------------------|
| ۱  | آقای مرادعلی کاویانژاد  | ۸۹۹۱۴۱-۴                    |
| ۲  | آقای محمد دهقان نژاد    | ۰۹۱۵۴۹-۰۹۰۰۳۴-۸۲۰۲۴۲-۳      |
| ۳  | آقای حسن دیبائی         | ۳۶۱۱۵۴-۳۶۲۷۳۹-۳۶۰۲۶۱        |
| ۴  | آقای محمد اویسی         | ۶۲۷۷۴۶-۶۲۱۶۶۴               |
| ۵  | آقای حسین اعتمادی       | ۶۴۲۰۵۴-۶۴۵۷۴۶               |
| ۶  | آقای محمد جلیلی         | ۵۴۳۵۱۳-۷۶۳۵۷۵-۷۵۶۳۸۸        |
| ۷  | آقای غلامحسین خلیلی     | ۹۷۵۴۸۰                      |
| ۸  | آقای منوچهر حسین زاده   | ۵۴۷۱۴۱-۵۴۷۷۴۳-۲۳۱۷۱۲-۲۳۰۰۰۷ |
| ۹  | آقای احمد خلیل پور      | ۹۳۴۷۶۹                      |
| ۱۰ | آقای محمود عرب زاده     | ۶۸۳۴۵۱-۳                    |
| ۱۱ | شرکت سوپر انرژئی        | ۲۲۰۴۷۳-۲۲۸۳۸۳               |
| ۱۲ | مرتضی پیشرو خصال        | ۹۷۲۱۲۷                      |
| ۱۳ | آقای فریدون حسین زاده   | ۲۳۲۷۵۰-۲۳۱۱۵۹               |
| ۱۴ | آقای برات اله یحیائی    | ۷۵۸۶۶۵                      |
| ۱۵ | آقای رحیم هاشمیان       | ۶۴۸۱۹۱-۶۴۲۸۶۳               |
| ۱۶ | خانم حوریه کهنام        | ۳۹۲۷۷۱-۳۱۱۴۸۳               |
| ۱۷ | آقای صادق سرایدار قندچی | ۹۸۲۲۰۶                      |
| ۱۸ | آقای صحبت اله شریفی     | ۶۵۵۸۶۹                      |
| ۱۹ | آقای علی شهران          | ۶۸۳۲۴۸-۶۸۴۹۸۳               |
| ۲۰ | آقای بیوک واعظ زاده     | ۸۴۸۶۷۰                      |
| ۲۱ | آقای اکبر قاسمی         | ۹۳۶۳۶۶-۹۳۸۲۲۲               |

ضمناً چون ممکن است برخی از عاملین بعلت تکمیل شدن ظرفیت آمادگی قبول مشترک جدید را نداشته باشند لذا خواهشمند است در صورت مواجه شدن با این اشکال و یا هرگونه مشکل احتمالی دیگر با تلفنهای ۷۶۵۹۱۲-۷۶۴۴۲۶ و ۷۵۳۲۱۷ از ساعت ۸ صبح الی ۱۳ روزهای اداری تماس گرفته و یا بنشانی این شرکت واقع در تقاطع خیابانهای بهار و ثریا (اطاق ۲۳۷) امور پخش مراجعه تا نسبت به راهنمایی و رفع مشکلات احتمالی اقدام شود.

مضافاً با اطلاع اندسته از مصرف کنندگانی که احیاناً دارای چندین کارت اشتراک از عاملین مختلف میباشد میسراند بمنظور آن که در زمستان با اشکالی مواجه نگردند (ابطال کارت های تکراری) بایستی یکی از کارت های عامل مورد نظر را حفظ و اشتراک خود را مجدداً بتائید عامل مورد انتخاب رسانیده و نسبت به ابطال مابقی کارت های اشتراک دریافتی از سایر عاملین اقدام بفرمایند.

۱۱۲ ش - آ - ۳ - ۱ م - الف ۵۱۸۷

### آگهی تغییرات در شرکت ریوت با مسئولیت محدود ثبت شده به شماره ۴۰۴۴۹

طبق صورتجلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۳/۱۵ آقایان علی اصغر هومانی و مسعود هومانی با دریافت سهم الشرکه های خود از شرکت خارج شدند و آقایان فریدون پاکروان و علی اصغر مرجانی هر کدام با پرداخت مبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال سهم الشرکه های خود را به پانصد هزار ریال افزایش دادند در سرمایه شرکت تغییری داده نشد آقای علی اصغر مرجانی بعنوان رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل انتخاب شدند. مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی

### اطلاعیه وزارت کار و امور اجتماعی درباره امکانات اشتغال

از داوطلبان کار در مشاغل زیر:  
 ناخدای کشتی - خلبان - تکنسین هواپیما و مهندسی هواپیما - مهندس مکانیک در سردخانه - دکتر الکترونیک وارد بامور طراحی و تکوین سیستم های دیجیتال و مخابرات و دکتر داروسازی در هر شغل با پنج سال سابقه کار دعوت مینماید برای اطلاع از فرصت های اشتغال به اداره اشتغال فارغ التحصیلان (اداره تمرکز اطلاعات کارگری) واقع در طبقه سوم ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی مراجعه فرمایند. آ-ش-۱۲۶ م- الف ۵۱۰۲

م الف ۵۴۹۸ آ-ش-۱۱۴ به نشانی تهران جاده قدیم اندیشه آگهی انحلال در شرکت مهندسی غربی کوچه آزادگان بسمت مدیر آریان تاس (سهامی خاص) ثبت تصفیه تعیین گردید. شده بشماره ۴۳۶۴۷ مدیر کل ثبت شرکتها و براسر صورتجلسه مورخ مالکیت صنعتی - یحیی مدنی ۳۰/۳/۷۹ شرکت فوق منحل گردید و آقای حسین درویشیان م الف ۵۴۹۰ آ-ش-۱۱۸



# اصفهان شهر قهرمان

بالاخره قاتل آیت‌اله شمس‌آبادی که بود؟

تذکراتی داریم از خوانندگان پرخاش در اصفهان و سئوالاتی را مطرح میکنیم که برای آن جوابی نداریم سئوالات درباره قتل آیت‌اله شمس‌آبادی است که می‌پرسند بالاخره قاتل آیت‌اله چه کسانی بودند - آیت‌اله در کار سیاست چه شیوه‌ای داشتند - آیا راست است که ایشان نماینده و عامل حضرت آیت‌اله امام خمینی بوده‌اند و بهمین دلیل بقتل رسیده‌اند؟ بالاخره قاتل ایشان کیست و آیا کسانی که محاکمه شدند عامل قتل بودند یا دیگری و بالاخره خون این پیشوای مذهبی را چرا باین طرز فجیع ریختند اطلاع میدهند که تنی چند از محکومین این فاجعه که آزاد شده‌اند در کمیته‌های انقلاب عضو هستند اگر چنین است یا باید اینان محکوم نمیشدند یا خدای ناکرده آیت‌اله راهی جز راه صواب داشته‌اند بهرحال اگر محکومین از زندان گریخته در حدی هستند که باید مصدر امور کمیته‌ها باشند و در حد حضرت حجة الاسلام انواری همدانی تشخیص شده‌اند حالا که همه کارها بدست مراجع مذهبی است موجبات پراخت قانونی و رسمی آنان هم چنین برائت‌شان را در افکار عمومی فراهم سازند از همه مصادر روحانیت متعهد تقاضا داریم بدین سئوالات توجه کرده و مانع انحراف افکار عمومی گردند از همه مطلعین قضیه آقای مصطفی فشارکی وکیل سخت‌کوش پرونده و آقای بهروز تقی‌خانی وکیل دادگستری که قاضی پرونده بوده‌اند توقع داریم اطلاعات خود را برای آگاهی مردم در هر کجا مقتضی میدانند منتشر سازند مردم اصفهان خواسته‌اند که این موضوع تا روشن شدن حقیقت ادامه یابد و ما هم عندالوقوه آماده هستیم.

چه کسی باید از تجاوز به اراضی مزروعی و کشت مردم جلوگیری کند

اطلاع میدهند با همه اعلامیه‌های غلاظ و شداد دولت و توجه وزارت کشاورزی در نقاط مختلفه اصفهان تجاوزاتی بزرعتهای مردم انجام شده و از آن جلوگیری نشده است تا جائیکه صاحب کشت گندمی را از روی زراعت خود با عنف بیرون کرده‌اند ما نمیدانیم در جائیکه **الزرع لزراع ولوکان غاصبا** حاکم برمساله زراعت است متجاوزین چه بهانه‌ای برای این کار دارند و مسئولان امر چرا قاطعیت در انجام وظیفه نشان نمیدهند.

کارهای استانداری اصفهان شکل میگیرد

خبر رسیده حاکی است که آقای بهرام بوستان معاون استانداری اصفهان از بدو اشتغال با حرارت هرچه بیشتر و تلاش شبانه‌روزی کارهای محوله را در روستاها و قراء دنبال کرده و نتیجه تلاش ایشان یخوبی محسوس است. همچنین اشتغال آقای نیلفروشان در سمت معاونت دیگر استانداری با پختگی که دارند منشاء امیدهایی شده است که پرخاش بدلائیل خاصی در این مورد فعلا کمتر سخن میگوید و توفیق خدمتگزاران را در اعاده قدرت قانون آرزو میکند.

## امیدوار کننده

بقیه از صفحه ۱

این اظهار بیشتر خلبانها بود دولت باید بما اجازه میداد تا مفهوم «تجاوز را به نیروی عراق نشان میدادیم» ما قادریم در ظرف چند ساعت متجاوز را مجازات کنیم» مطالب غرورآفرین بودند و گوینده یا لذت آنرا بازگو میکرد. پرسیدیم پس شما هیچ مشکلی ندارید گفت بدون مشکل که نیستیم این محاکمات مأموران انتظامی علی-الخصوص درجه داران افسران جزء روحیه خدمتی همکاران را ضعیف کرده و فقط کسانی را خوشحال کرده است که ریاکارانه خود را طرفدار انقلاب وانمود میکنند و از سوی دیگر خود درصدد ایجاد نفوذ در ارتش و قوای انتظامی هستند آنها میدانند که با بودن ارتش امکان اجرای برنامه‌های مورد نظرشان وجود ندارد و حالا که دیگر از ژنرالهای شاه اثری نیست باز هم صحبت از ارتش وابسته میکنند. مطلب دیگر در نیروی هوایی مقدار مشکلات فنی داریم که کمتر میتوانیم هواپیما را برای پرواز آماده کنیم بعضی از همکاران کم‌کاری میکنند چه هر هواپیمائی که میخواهد روی باند قرار بگیرد باید ده نفر متخصص آنرا بازدید کنند.

گفتم مگر متخصص کم داریم؟ گفت بحدالله چهارده هزار نفر داریم. گفتم پس علت چیست؟ گفت: آثار انقلاب است و انشاءالله موقتی است و رفع میشود با خاطرهای خوش و امیدوارکننده از این افسر خوش‌خبر جدا شدیم. با امید اینکه مقامات مسئول بیش از این در احیاء ارتش مداخله نکنند و متوجه اهمیت قدرت دولت و ارتش ملی باشند - در هفته گذشته رادیو بی‌بی‌سی خبر از مانور قاطعانه نیروی هوایی ایران در مرز عراق داده بود که ضمن تکذیب جنبه‌های تجاوزی و تعرضی آن اساس مساله که ارائه قدرت نیروی هوایی ایران است مورد مسرت همه مردم ایران است.

# پیام‌ها و نامه‌ها

تشکر از رئیس منطقه پخش کود

نامه‌ای داشتیم بامضاء کشاورزان اصفهان مبنی بر اینکه آقای محمدرضا قرائت رئیس منطقه پخش کودشیمیائی در اصفهان بانهایت وظیفه‌شناسی و مراقبت در توزیع سهمیه کود موردنیاز دهقانان اقدام و از ورود صدماتی بکشاورزی اصفهان جلوگیری کرده است. ما هم از آقای قرائت بنمایندگی کشاورزان تشکر میکنیم.

تشکر از يك کارگر

آقای عزیز باقری کارگر، از اصفهان نسبت به مدعی و روزنامه پرخاش اظهار لطف فراوان نموده و ما را پشتیبانی داده‌اند، امید که ما هم بتوانیم هرچند کوچک در راه خدمت به کارگران خود را بسیج کنیم. آقای باقری از شما متشکریم.

لزوم استفاده از واژه‌های فارسی

این هفته نامه‌ای بسیار بسیار صادقانه داشتیم از آقای مرتضی موزنی از اصفهان که یادآور شده و استفاده زیاد از واژه‌های عربی را زنگ خطری برای زبان فارسی دانسته‌اند. ما نیز میدانیم که این امر يك پدیده تاریخی است و رفع آن بیاری همگان بستگی دارد.

فرماندار بندر انزلی دل خوش دارد

در حالیکه مسائل عمده مملکتی هنوز به سرمنزل عمل نرسیده، گویا در بندر انزلی همچنان زفانه و مردانه بودن پلاژها مسئله اساسی روز است و موافقین و مخالفین این طرح کشاکش‌هایی دارند، خدا دل خوش بدهد!

## بقیه سر مقاله

که این پذیرش و تقاضا را مبارکباد مردم به سامان رسانیده و اقتدارات بگوئیم و موفقیت دولت بازرگان خود را بصورت يك دولت واقعی را بیش از پیش آرزو کنیم. و مسئول بر تمام شئون اجتماعی اینک موقع دولت در میان و درسراسر فلات ایران زمین مردم و صحنه‌های بین‌المللی از هر موقع دیگر مستحکم‌تر است قاطعیت دولت و ملاحظت‌رهبری و باشیوه مرضیه‌ایکه در پیش بر مردم ایران مبارک باد گرفته شده است می‌رود که کار قانون اساسی را با اتحاد و اتفاق احمد - انواری

خاطره‌ای از خبلی‌دورها و نه‌چندان غریبه!!

## سانسور ، آنهم چه سانسوری؟!

وقتی صحبت از سانسور میشد بیاد خاطره‌ای افتادم که با آنکه چهل و دو سال از آن میگذرد باز دلم نیامد برای خوانندگان نویسم. در سال ۱۳۱۶ من در تبریز برای روزنامه «تبریز» کار میکردم و یکی از کارهایم؛ رابط بین اداره روزنامه با نظمی (شهریانی) وقت بود که صفحات روزنامه را برای سانسور! آنهم چه سانسوری!! به نظمی میبرد و باید یادآور شوم که در آن زمان بکاربردن کلمه «کارگر» جرمی بزرگ محسوب میشد. در یکی از شماره‌های روزنامه یکی از خوانندگان شعری سروده بود که یکی از مصرع‌های آن در این مضمون بود:

تیر عشق تو در قلب من کارگر افتاد

آقای رئیس شهرستانی سخت برآشفتم و صفحه روزنامه را سیاه کردم و نوشت (ای آقای بیسواد!! که روزنامه نویسی پیشه کرده‌ای! مگر بشما گفته نشده کلمه کارگر بکار نبرید بلکه بجای آن کلمه‌عمله بنویسید).

و شعر باین شکل از طرف رئیس شهرستانی وقت اصلاح گردید:

تیر عشق تو در قلب من «عمله» افتاد

و جل‌الخالق از آنهمه معلومات و سواد آقای رئیس نظمی سانسورچی!... و نمیدانم چرا حالا بیاد این خاطره افتادم.

اصغر قالیباف

تاریخ: ۱۳۵۸/۳/۲۱

شماره: ۳۶۳۳ ک ۵

آگهی فروش سنک آهک

بدینوسیله با اطلاع میرساند نوب آهن اصفهان مقدار قابل توجهی سنک آهک با درجه بندی ۵-۰ میلیمتر و با مشخصات زیر را تحویل در معدن خود واقع در پیربکران اصفهان بفروش میرساند. خواهشمند است در صورت تمایل به خرید قیمت پیشنهادی خود را با مقدار مورد احتیاج به قسمت فروش و امور بازرگانی این شرکت به نشانی کیلومتر ۴۵ جاده اصفهان-شهرکرد اعلام فرمایند تا بررسی و اقدام لازم معمول گردد.

درصد	بطور متوسط ۵۴
درصد	بطور متوسط ۲۵٫۰
درصد	نامحلول در اسید بطور متوسط ۸۰٫۰
درصد	بطور متوسط ۰٫۳
درصد	بطور متوسط ۰٫۱

نوب آهن اصفهان (شرکت سهامی)

۳-۱

آش-۱۱۰

## بقیه خبر های در گوشه

در شورای مرکزی جبهه ملی

طبق اطلاع واصله در آخرین جلسه شورای مرکزی جبهه ملی پیشنهاد کمیته عضویت درباره آقایان دکتر مولوی رئیس بانک مرکزی و آقای دکتر سعید فاطمی دبیر گروه ایران امروز بصوب رسیده و آقایان عضویت شورای مرکزی جبهه ملی انتخاب شدند. درباره چند نفر دیگر فرصت بحث و گفتگو حاصل نشده است.

آیا آقای خلخالی کارلوس را استخدام کرده‌است؟

جای هیچ شک و شبیه نیست که عامل نکبت‌بار استعماری امپریالیسم و کثیفترین مظنر آن یعنی شاه خائن باید به‌سنزای اعمال کثیف خود برسد. اما آنچه در این میان مایه تعجب میشود خبری است که روزنامه‌های تهران به نقل از خبرگزاری فرانسه در تاریخ دوشنبه ۴ تیرماه درج کرده‌اند مبنی بر استخدام کارلوس بوسیله رئیس جدید فدائیان اسلام برای ترور شاه خائن و دارودسته‌اش این خبر بیشتر به‌شوخی می‌ماند تا مطلبی جدی و از سر عقل. مگر يك مملکت و افرادی از همه مهمتر دولتش چقدر باید ضعیف تلقی گردد که برای اجرای يك حکم از آدمی چون کارلوس استفاده شود؟ و چرا بجای کنفرانسهای شوخی‌مانند عناصر غیرمسئول، مراجع مملکتی راجع بشاه حرف نمیزنند.

آیا واقعا استرداد يك جنایتکار ورشکسته اینقدر مشکل است؟ آیا در شرایط حاضر که کارهای فراوان انجام نشده یا نا تمام مسائل اساسی ما را تشکیل میدهد، جازو جنجال‌های این چنینی آقای خلخالی مایه ضرر و نفوذ شایعات در جنبش مردم این مملکت نمیشود؟ بفرض جدی بودن این خبر، آیا استفاده از کارلوس نام ما و نهضت ما را آلوده نمیکند؟ جای آن دارد که آقای خلخالی مرتبا از جرعه های ذهنی کودکان شعله‌های بزرگ ایجاد نکنند و مطبوعات هم برای پر کردن صفحات خود هر مطلب جنجال‌برانگیزی را بنام نماینده و نمائنده‌ای از نهضت ما به دنیا اراکه فرمایند.

صنایع بنوعی ملی خواهد شد

نوعی از ملی‌شدن اصطلاحی است که انگلیسیها در جریان مذاکرات ملی‌شدن صنعت نفت بدکتر محمد مصدق پیشنهاد میکردند پیشوا هم زیرا بار نمیرفت مثل اینکه مقدر است ما نوعی از ملی‌شدن را شاهد باشیم چه با احترام به اصل مالکیت مشروع و مشهود از یکسو و لزوم دگرگونیهای اقتصادی از سوی دیگر پذیرش نوعی از ملی‌شدن صنایع را ایجاد میکند دولت بازرگان که اخیرا کمتر میگوید و بیشتر کار میکند و هر چند یکبار شاهد ارائه طرح‌های انقلابی او هستیم بزودی طرح ملی‌شدن صنایع را در شرایط اجتماعی امروز کشور ارائه خواهد داد - در این طرح نحوه تهیه سرمایه - مقدار بدهی به بانکها - چگونگی ارتباط صاحبان سرمایه با رژیم سابق و سلامت و یا عدم سلامت صنعت مورد توجه خواهد بود گفته میشود پس از ملی‌شدن صنایع چه‌بسا بعضی از سرمایه‌داران که سابقه‌بندی ندارند برای ادامه کار به ایران بازگردند.

وزارت ارشاد ملی و لایحه مطبوعات

پرخاش و جبهه روزنامه‌نگاران ملی

بالاخره مسلم شد که وزارت ارشاد ملی در کار لایحه مطبوعات بهیچوجه اصراری ندارد با کمال حسن نیت آماده است که نظرات گروه‌های سیاسی و مطبوعاتی را مراعات و لایحه را اصلاح کند بقرار اطلاع جلسات این بررسی روزهای دوشنبه ۱۱ و سه‌شنبه ۱۲ تیر از ساعت ۸ تا ۱۲ در دفتر آقای دکتر میناجی تشکیل خواهد شد از طرف جبهه روزنامه‌نگاران ملی نیز دوفتیه نمایندگان در جلسه اصلاح پیش‌نویس قانون مطبوعات شرکت خواهند کرد روزنامه پرخاش چنانچه قبلا نیز گفته‌ایم با اعتبار این امکان که میتواند نظراتش در جلسه مذکور مطرح و انشاءالله در لایحه بگنجانند از انتشار آن در روزنامه صرفنظر میکنند چه همکاران بعد کافی بر علیه این لایحه بانگ برآورده‌اند.

عروسی مانیان در کاخ اسلامی جوانان

روز جمعه گذشته آقای حاج محمود مانیان دوست قدیم و همکار سیاسی راه مصدق بمناسبت وصلت فرزندشان با خانواده صالحی مجلس جالبی داشت در کاخ جوانان سابق که عنوان کاخ اسلامی جوانان یافته است در این جشن که بیشتر مبارزان قدیم و جدید و عده‌ای از اعضاء دولت شرکت داشتند عروسی جا سنگینی برگزار شد و اولین مرتبه در کاخ جوانان که برای اغفال جوانان و ترویج فساد ایجاد کرده بودند يك کار صحیح اسلامی انجام گردید امیدواریم همه مراکز فساد بمرکز صلاح تبدیل شوند و این وصلت نیز مبارک و میمون باشد.

تعطیل رگبار امروز و تاسف ما

مجله عزیز رگبار امروز که بمدیريت همکار گرامی ما آقای محمود دژکام منتشر میشود، بمناسبت پاره‌ای مشکلات انتشار خود را برای مدت کوتاهی بتأخیر انداخته است از اینکه شرایط اجتماعی برای کار نویسندگان متعهد و با سابقه‌ای چون دژکام مساعد نیست متأسفیم و امیدواریم هرچه زودتر شاهد انتشار مجله رگبار امروز باشیم.

## تحصیل‌دار استخدام میشود

روزنامه پرخاش به يك نفر دیپلمه که خدمت وظیفه را انجام داده و ضامن معتبر هم داشته باشد برای تحصیل‌داری نیازمند است.



بقیه از صفحه ۱

به حساب آورد؟ حتی تا کید زیاد بر اینکه مصدق نفت را ملی کرد، بدون بررسی ارزش و اهمیت نهضتی که منجر به ملی شدن نفت و حوادث بعدی آن شد، تجلیل چندانی از او، یا آن واقعه بزرگ تاریخی، نیست. یا، گفتن اینکه مصدق شاه را قبول داشت فقط به شرط اینکه سلطنت کند نه حکومت، (حال آنکه انقلاب ما اصل را بر اخراج شاه سابق از ایران و اعلام جمهوری گذاشت و پیروز شد) بخودی خود کمترین اطلاعی از نقاط قوت و ضعف مصدق به ما نمیدهد؛ سیدحسن مدرس نیز با جمهوری رضاخانی مخالفت کرد، و در چارچوب آن مخالفت از حکومت مشروطه، قانون اساسی و سلطنت احمدشاه دفاع نمود. آیا صحیح، منصفانه و بحق است که کسی این واقعت را در خارج از متن تاریخی خود علم کند و مدعی شود که به این دلیل حماسه زندگی، مبارزه و شهادت آن سیاستمدار و روحانی بزرگ ارزش چندانی ندارد، و در هر صورت اهمیت آن کمتر از ارزش اجتماعی فرد فرد مبارزانی است که در یکسال اخیر خواهان جمهوری بوده اند؟! البته میان بحث و گفتگوی سیاسی، با کتابخانه و کلاس درس تفاوت دارد، به همین جهت در چنین میدانی نمیتوان و نباید دایره اختلاف را به بررسی جزئیات دقیق علمی محدود کرد، و به اصطلاح ما را از ماست کشید. به علاوه، در هیچ موردی «حقیقت علمی» چیز منحصری نیست، و اهل علم و دانش نیز با اینکه دقت های لازم را در بحث و مجادله با هم روا میدارند، الزاما در پایان مناظره شفاهی یا قلمی خویش به یک نتیجه واحد نمی رسند. اما آنچه در دایره هرگونه بحث و گفتگوئی، و بخصوص مجادله سیاسی که خطاب آن به عموم مردم است، لازم میباشد اینست که طرفین واقعیات را مخلوش نکنند، بلکه آنچه را وجود داشته یا دارد به نحوی صادقانه و موزون بیان دارند و سپس مطابق سلیقه خود به تعبیر و تفسیر آن بپردازند، تکرار میکنیم که دانستن و در نظر داشتن همه واقعیات مربوط به یک امر دلیل نمی شود که همه یک نوع برداشت از آن را داشته باشند. اما اگر در هر گونه جدالی کسی قسمتی از واقعیات مربوط به مساله مورد بحث را از نظر دور بدارد و سپس با تعبیر و تفسیر بپردازد، از یکی از دو حال خارج نیست: یا آن شخص نسبت به اصل موضوع جاهل است، که در این صورت بهتر است پس از تکمیل اطلاعات خویش نسبت به آن یا بمیدان جدل بگذارد، و یا واقعیات مربوطه را میداند اما به علت غرض ورزی، یا تعصب، یا عوام فریبی، یا هر دلیل دیگری، ترجیح میدهد که روی حقایق سرپوش گذارد و به قول معروف «هو» کند.

با این مقدمه، پیداست که ما ادعای این را نداریم که طی این مقاله کوتاه می توان حق آن را ادا کنیم، بلکه نظرمان اینست که پاره ای از آرائی که درباره مصدق و نهضت ملی در مشاجرات اخیر عرضه شده است بررسی کنیم، تا از طرفی مساله به مقدار بیشتری روشن شده باشد، و از طرف دیگر نشان داده باشیم که منظورمان از «در نظر گرفتن همه واقعیات مربوطه» چیست. پاره ای از سوابق را همه دست اندرکاران میدانند، و لول آنکه به روی خودشان نیارند: در سال ۱۳۰۴م دکتر مصدق با شهادت و فصاحت کم نظیری با تغییر سلطنت ایران به نفع رضا خان مخالفت کرد، و دلیل اصلی او هم، چنانکه خودش به تفصیل بیان کرد، این بود که آن تصمیم به بازگشت رژیم استبدادی منتهی میشد. در سال بعد، هنگامیکه داور لایحه معروف انحلال و تجدید سازمان عدلیه را به مجلس برد، باز هم دکتر مصدق به تفصیل بر ضد آن لایحه سخنرانی کرد، و دلیل اصلی او هم این بود که مستشاران فرانسوی هر اندازه هم کار آمد و بی غرض باشند به دلیل بیگانگی فرهنگی نسبت به اجتماع ایران صلاحیت پایهریزی عدلیه جدیدی را در این کشور نخواهند داشت. و درست در همین جلسه بود که مصدق برای اولین بار حسی «ایرانی» و «اسلامیت» خود را به عنوان مهمترین انگیزه خود در این مخالفت اعلام داشت... آنچه در زمان رضاخان بر سر مصدق آوردند بر کسی پوشیده نیست... اما پس از شهریور بیست و یکم همان مصدق به میدان آمد و با آگاهی و دیدی (که صرف نظر از وابستگی های ایدئولوژیک) در کمتر کسی دیده شده است، به تمام معنی در خدمت ملت ستمدیده ایران وارد مبارزه شد. کمیت و کیفیت این کوشش ها آنقدر زیاد و وسیع است که الحق نمیتوان حتی عنوان تظرف های او را در مجلس چهاردهم در این مقاله آورد. علاقمندان میتوانند به خلاصه ای از این فعالیت ها که در کتاب سیاست موازنه منفی، نوشته مرحوم حسین کی استوان، گردآوری شده است مراجعه کنند تا ببینند که این مبارز راستین و از خود گذشته چگونه روزی به دفاع از جان و مال فلان دهقان گنم آذربایجانی، روز دیگر به دفاع از استقلال و تمامیت ایران، و روز دیگری با حمله به عمال هیات حاکمه و استعمار خارجی می پردازد. اما، ما در اینجا فقط برای اینکه شیوه کار او، برای اینکه طرز برخورد او را با مسائل مردم، برای اینکه آن «ایرانی» و «اسلامیتی» را که او بر پایه آن کار میکرد نشان داده باشیم، قسمتهایی از دو سخنرانی مسلسل او را در دوره چهاردهم مجلس نقل میکنیم:

مصدق، شاه و نهضت ملی ایران

روشن شده باشد، و از طرف دیگر نشان داده باشیم که منظورمان از «در نظر گرفتن همه واقعیات مربوطه» چیست. پاره ای از سوابق را همه دست اندرکاران میدانند، و لول آنکه به روی خودشان نیارند: در سال ۱۳۰۴م دکتر مصدق با شهادت و فصاحت کم نظیری با تغییر سلطنت ایران به نفع رضا خان مخالفت کرد، و دلیل اصلی او هم، چنانکه خودش به تفصیل بیان کرد، این بود که آن تصمیم به بازگشت رژیم استبدادی منتهی میشد. در سال بعد، هنگامیکه داور لایحه معروف انحلال و تجدید سازمان عدلیه را به مجلس برد، باز هم دکتر مصدق به تفصیل بر ضد آن لایحه سخنرانی کرد، و دلیل اصلی او هم این بود که مستشاران فرانسوی هر اندازه هم کار آمد و بی غرض باشند به دلیل بیگانگی فرهنگی نسبت به اجتماع ایران صلاحیت پایهریزی عدلیه جدیدی را در این کشور نخواهند داشت. و درست در همین جلسه بود که مصدق برای اولین بار حسی «ایرانی» و «اسلامیت» خود را به عنوان مهمترین انگیزه خود در این مخالفت اعلام داشت... آنچه در زمان رضاخان بر سر مصدق آوردند بر کسی پوشیده نیست... اما پس از شهریور بیست و یکم همان مصدق به میدان آمد و با آگاهی و دیدی (که صرف نظر از وابستگی های ایدئولوژیک) در کمتر کسی دیده شده است، به تمام معنی در خدمت ملت ستمدیده ایران وارد مبارزه شد. کمیت و کیفیت این کوشش ها آنقدر زیاد و وسیع است که الحق نمیتوان حتی عنوان تظرف های او را در مجلس چهاردهم در این مقاله آورد. علاقمندان میتوانند به خلاصه ای از این فعالیت ها که در کتاب سیاست موازنه منفی، نوشته مرحوم حسین کی استوان، گردآوری شده است مراجعه کنند تا ببینند که این مبارز راستین و از خود گذشته چگونه روزی به دفاع از جان و مال فلان دهقان گنم آذربایجانی، روز دیگر به دفاع از استقلال و تمامیت ایران، و روز دیگری با حمله به عمال هیات حاکمه و استعمار خارجی می پردازد. اما، ما در اینجا فقط برای اینکه شیوه کار او، برای اینکه طرز برخورد او را با مسائل مردم، برای اینکه آن «ایرانی» و «اسلامیتی» را که او بر پایه آن کار میکرد نشان داده باشیم، قسمتهایی از دو سخنرانی مسلسل او را در دوره چهاردهم مجلس نقل میکنیم:

برحق بودن اسلام، نه برای میل این و آن، پیروی کنیم و به لوازم آن فقط از ترس خدا و معاد، نه متضمنات دنیوی و سیاسی، عمل نمایم. باد شمال و جنوب ما را نلرزاند و در دجله ایمان ما تأثیری ننماید و به طور مصنوعی یک روز آتش آن را شعله ور، و روز دیگر خاموش نکند. من ایرانی و مسلمانم و بر علیه هر چه ایرانیت و اسلامیت را تهدید کند تا زنده هستم مبارزه میکنم. من طرفدار احیاء اصول مشروطیت و باهر دولت یا اکثریتی که بخواید اساسی آن را که آزادی انتخابات است متزلزل نماید مخالفت می کنم... چگونه ممکن است خون ایرانی در عروق کسی جاری باشد و مداخله اجنبی را در امور کشور تحمل کند. هر کس که به بقاء نیروی اجنبی در خاک کشور علاقه داشته باشد و همچنین هر کسی که همسایگان را تحریک کند مهادورالدم است... (جلسه بیستم شهریور ماه ۱۳۲۴، نقل از کتاب سیاست موازنه منفی، ص ۷۵) اولاً این عرایضی که من میکنم حمل بر ارتجاع نکنند. بنده شخصی هستم که در مدت عمر خودم به آزادی خواهی معروف و هر صدمه هم (که) کشیده ام روی تقیده خودم بوده است. من یک آدمی بودم که دوره رضاشاه معتقد بودم که شئون ملی ما باید بدست ملت ایران باشد، نه به دست یک نفر. و می گفتم یک نفر آدم نمیتواند در مسائل اجتماعی و در مسائل دیگر مملکت به طور اجبار مردم را مجبور بکند. در موقعی که کلاه پهلوی قرار بود سر گذاشته شود با اینکه من سالها در اروپا شایو سرمی گذاشتم وقتی که بنا شد کلاه پهلوی سر بگذارند من هشت ماه در منزل ناخوش شده و از منزل بیرون نیامدم. بعد یک قانون وضع شد، اگر چه قانون هم صورت ظاهری بود، آنوقت بنده کلاه پهلوی گذاشتم و بیرون آمدم. حالا البته خانها به بنده اعتراض میکنند زیرا قبل از اینکه بانوان محترم کشف حجاب کنند من در اروپا با خانواده خودم کشف حجاب کردم و هیچکس با کشف حجاب مخالف نبود ولی من مخالف بودم، چون معتقد بودم که کشف حجاب باید بواسطه اوسلون و بواسطه تکامل اهل مملکت باشد، نه بواسطه یک کسی که یک قدرتی پیدا کرده، و یک زوری پیدا کرده که من اینچور می خواهم و باید اینچور شود. من آن را معتقد نیستم، بیچوجه، و مخالف بودم... خدا بیامرز آقا شیخ محمد علی، رئیس محکمه شرع، را. وقتی که خواستند عمامه را عوض بکنند دو سال خانه نشین شد و عمامه را برنداشت. هر کس باید در خط مشی خودش با

پرنسپ باشد، دارای مسلکی باشد. باید انسان شخصیت داشته باشد، نه اینکه مطیع چوب و چماق باشد... (جلسه بیست و هشتم شهریور ۱۳۲۴، نقل از کتاب سیاست موازنه منفی، ص ۷۹-۷۸) و اما همین دکتر مصدق، با همین «ایرانی» و «اسلامیت» خود، بزودی علمدار نهضت ملی ایران شد، و پس از گذراندن لایحه ملی شدن نفت، و لایحه خلع ید، در اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ فقط بعلت پشتیبانی اکثریت قاطع ملت ایران نخست وزیر شد. نهضت ملی ایران تنها منحصر به گذراندن قانون ملی شدن نفت نبود، این نهضت، قیامی همه جانبه، و جنبش اصیل و انقلابی بود که متأسفانه در آن زمان به ثمرات خود نرسید... و درست در همین زمان بود که، در گیرودار کشمکش با دشمنان رنکارنگ داخلی، و استعمار خارجی، مصدق در مقابل شاه سابق قرار گرفت. شاه میخواست با دخالت در حکومت، نهضت ملی ایران را درهم شکند و کشور را باز دیگر در انحصار خود و اجانب درآورد، و مصدق به او میگفت که سر جای خود بنشیند و فقط سلطنت کند. هر کسی اندک اطلاعی از مبانی تاریخ و سیاست داشته باشد بخوبی میداند که در آن زمان بیچوجه برای مصدق، یا کس دیگری، ممکن نبود که شعار جمهوری بدهد. او مردی اصولی بود و به همه اشکال ممکن اصل اساسی نهضت ملی ایران - قطع ید از بیگانگان، و استقرار دموکراسی واقعی و دائمی در ایران - را دنبال می کرد. آیا جدال ما بر سر الفاظ است، یا اصول؟ آیا هر کشوری که نامش جمهوری باشد از هر کشوری که نامش مشروطه باشد الزاماً برتر است؟ آیا او گاندازانمارک بهتر است؟ باری مصدق بر اصول خود ایستاد و پادشاه سابق - که در آن زمان مرکز زاده ای پیش نبود تا کم کم گره های داخلی و خارجی بزرگش کردند - بر سر همان اصول در افتاد. در حالیکه در همین گیرودار مبارزه با شاه، مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی - که انصافاً سوابق ارزنده ای در مبارزه با استعمار انگلیس داشت، مدتی نیز از نهضت ملی ایران پشتیبانی کرد - کار را بجائی رساند که عملاً و معنای از زاهدی پشتیبانی کند. یا، در توطئه نهم اسفند که شاه و ازبانشان بر ضد دولت ملی ترتیب داده بودند، آیت الله آقامیرسید محمد بهبهانی پیشقدم شد و دسته ای از او باش و اراذل مشهور شهر را تحریک کرد که «برای جلوگیری از مسافرت اعلیحضرت» به دربار روند، و در همین ماجرا بود که وقتی او باش نتوانستند مصدق را بکشند به خانه وی حمله ور شدند. معلوم نیست اگر دکتر مصدق شعار جمهوری داده بود امثال آقای بهبهانی با او چه میکردند!... در همان ماهها «واعظ شهبازی» در تبران به منبر می رفت، و هر چه از دهانش در می آمد بر ضد مصدق و حکومت ملی او، و به سود شاه و اعوان و انصارش، بیان میداشت. بدون آنکه کسی کمترین مزاحمتی برای او ایجاد کند... در فاجعه بیست و هشتم



هفته گذشته انواری مدیر پرخاش یک قطعه عکس دکتر محمد مصدق منقوش بر فلز را به آقای نزه رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران پیاس پایهردیهای ایشان در راه مصدق اهدا کرد.

- کانون مستقل فرهنگیان همدان تشکیل شد**  
در پیانیه کانون آمده است که: این کانون نهادی است دمکراتیک که به هیچ گروه و دسته و مرام وابسته نخواهد بود و در عین حال تمامی معلمان آزاداندیش را با هر گرایش مذهبی، عقیدتی و سیاسی خاص دعوت به همراهی و همگامی مینماید.
- کانون با توجه به رهنمودهای گوناگون گروه های مترقی پیشرو تنفس گاهی آزاد خواهد بود برای همه فرهنگیان آزاداندیش تلاشی این کانون بیش از هر چیز بر محور تحقق هر چه بیشتر آزادی و حقوق اساسی انسانی در محیط تعلیم و تربیت با توجه به آرمان ملت ایران متمرکز خواهد بود و در این گذار در راه بشر رساندن هدف های زیر خواهد کوشید:
- هدف های کانون در نه ماده ذکر شده که ما قسمتهای آموزشی آنرا نقل میکنیم:
- ۱- دفاع از حقوق و آزادی های اساسی انسانی بویژه در محیط آموزش و پرورش.
  - ۲- مبارزه با مظاهر فرهنگ امپریالیستی.
  - ۳- تلاش در راه از بین بردن نابرابری امکانات تحصیلی برای طبقات مختلف اجتماعی.
  - ۴- تلاش برای تأمین شغلی و اجتماعی فرهنگیان و احراز شرایط مادی و معنوی مساعد جهت گسترش آموزش.
  - ۵- تلاش برای مشارکت هر چه وسیعتر معلمان در تنظیم برنامه های فرهنگی و تدوین کتب درسی.
  - ۶- دفاع از حقوق صنفی معلم و دانش آموز و کوشش در برقراری ارتباط نزدیکتر بین معلمان و دانش آموزان و اولیای آنان.
  - ۷- تلاش برای استمرار روحیه انقلابی در فضای آموزشی و دمکراتیک کردن این فضا در کلیه سطوح.

**آگهی تغییرات در شرکت خدمات شهرکی با مسئولیت محدود ثبت شده به شماره ۲۱۳۳۳**  
باستناد صورت جلسه مورخ ۵۸۷۲۴ آقای فضل اله محمودیان با دریافت مبلغ ۴۰۰۰۰۰ ریال از جمع شرکاء خارج گردید آقای عبدالرضا ناظر بشناسنامه شماره ۱۲۷۱۳

مرداد. نیز آقامیرسید محمد بهبهانی و آقا میرزا عبدالله چهلسوتونی در تحریک اراذل و او باش شهر به نفع کودتای شاه - زاهدی - سیا، و بر ضد ملت مبارز و مسلمان ایران، دخالت داشتند، و همان «واعظ شهبازی» در سالهای پس از کودتا از هر فرصتی برای کوبیدن مصدق و نهضت ملی بر سر منابر استفاده می کرد... لیکن در تمام این مدت روحانیون ملی و مترقی، مردان بزرگی چون آیت اله زنجانی و آیت اله طالقانی، واعظ پاکدامن، آزادیخواه و خداترس، طلاب روشن ضمیر، پر شور و مبارز، چه پیش از ۲۸



# شهرستانها

**کارکنان اعتصابی شرکت ایران ترمینال پیمانکار اداره بندر خرمشهر پسر کارهای خودشان بازگشتند**  
 کلیه کارکنان شرکت ایران ترمینال پیمانکار اداره بندر خرمشهر که به مدت ۳۲ روز در اعتصاب بودند، این اعتصاب را شکسته و پسر، کارهای خود بازگشتند ناگفته نماند کار تخلیه در این اداره در این مدت صورت نمی گرفته و کلیه کشتیها برای تخلیه به بندر شاپور (بندر امام خمینی) می رفتند.

**رسمی شدن سندیدای تازگران پروژه های فصلی درآبادان**  
 بعد از ماهها مبارزه برای رسمی شدن این سندیکا عاقبت از طرف وزارت کار سندیدای کارگران پروژه های فصلی آبادان که در ۱۲۰۰۰ نفر کارگر فنی و درجه یک میباشد برسمیت شناخته شد این سندیکا اولین سندیکای رسمی در ایران است که بعد از پیروزی انقلاب به رسمیت شناخته شد.

**رئیس پناهنده گاه آبادان**  
 از طرف آقای نزیه رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران آقای دکتر بامیون بعنوان رئیس پناهنده گاه آبادان منصوب گردید و مشغول کار شد نامبرده یکی از مهندسين باتجربه و قدیمی شرکت ملی نفت میباشد که بجای آقای تاباثر رئیس قبلی منصوب گردید.

**رئیس جدید شهرداری آبادان**  
 یکی از افسران لایق شهرداری کل کشور بنام سرهنگ هویدا به ریاست شهرداری آبادان منصوب گردیده و مشغول کار شد نامبرده هیچ نسبتی با امیرعباس هویدا ندارد وی در زمان انقلاب رئیس یکی از شلاتنریهای تهران بوده است.

**خبرنگار روزنامه پرخاش رضا پیرامون اخبار همدان:**

**طاغوتیهای فراری!**  
 تا این ساعت هیچک از طاغوتیهای فراری همدان، که مسبب تمام بدبختیها و درماندگیهای شهری و اداری استان هستند توفیق نشده اند، زندانیهای همدان پر از مجرمین درجه سه و چهار هستند، مانند گروهبانان یا مامورین انتظامات اما مردم منتظرند تا دادگاه انقلابی همدان نسبت به اعمال و رفتار پلیس سرسپردگان رژیم پیشین اقدامات موثری بنماید و آنها را احضار نماید. چون تنی چند از آنان اخیرا در نقاط مختلف راست راه میروند و انگار نه انگار که ایشان مسئول بدبختی شهر و استانی بوده اند. این افراد عبارتند از:

- ۱- نمایندگان مجلس منحل رستاخیزی امثال هما زاهدی، علی طباطبائی، عبدالله شجاعی قراگزلو
- ۲- نمایندگان انجمن استان و شهرستان در دوره فعلی و قبل از آن
- ۳- جلال ساواک سرهنگ منشی و معاونان وی
- ۴- مسئولین حفاظت ادارات کل استان و شهرستان
- ۵- مدیران کل بازرگانی و راه و بهداری و سایر ادارات
- ۶- روزنامه های چیره خوار طاغوتی در دوره رستاخیزی و مسئولین حزب خودباخته رستاخیز که در همدان آزادانه رفت و آمد مینمایند.
- ۷- یوسف چوبک معروف به «ملیجک هویدا» و ویرانگر معروف همدان
- ۸- استانداران سابق استان دکتر برهن و خدایاری

**اقدام کثیف!**  
 بعضی از افراد ظاهرالصلاح که میخواهند از آب گل آلود، استفاده کنند، علیرغم اعلامیه های متعدد حضرات آیات عظام همدان، کمافی السابقی از کاغذهای سفید ساواک که در حمله بدست آورده اند، سوء استفاده نموده، نام رجال و شخصیتهای ملی و مردمی را که با آنان دمساز نیستند، در آن بعنوان تشویق یا تقدیر یا گزارش له و علیه - مینویسند و همچنان باعث ناراحتی خانواده ها را فراهم مینمایند. عزیزان! بیداریان خبرنگار پرخاش - همدان انتقاد ممنوع، خبر رساندن موقوف!

در پی انتشار خبری که خبرنگار ما احمد نیکنام از بندر انزلی مبنی بر خواسته های مردم غازیان برای انجام تصفیه در کمیته این ناحیه فرستاده بود، نامبرده را به کمیته احضار و از قرار مورد توهین قرار داده اند، جای آن دارد که مسئولین به این موارد توجه بیشتر بنمایند.

**تیراندازیهای شبانه**  
 بنا به گزارش خبرنگار ما کریم حیدری از اسلام آباد، اکثریت مردم این ناحیه از تیراندازیهای بی مورد شبانه که بوسیله گروهی حادثه جو انجام میشود در نگرانی شدید پسر میبرند، گویا این امر تا بحال موجب چند سقط جنین شده است. بنابراین گزارش وضع ارزاق عمومی مخصوصا گوشت و نان شدیداً مغشوش است بعلت نبودن گوشت مردم استخوان میخورند بطوریکه پهای استخوان ۳۰۰ تا ۳۵۰ ریال شده است، کیوسک های غیرمجاز و بساط های دستفروشی تردد را در خیابانها به امری شاق تبدیل کرده ناراحتی دیگر شهر نبودن تلفن خودکار است و برای همه موارد فوق از مسئولین امور استمداد می طلبند.

**مستخدم و نامهرسان**  
 روزنامه پرخاش بیکنفر مستخدم و یک نامهرسان که سواد خواندن و نوشتن داشته و معرف معتبر نیز داشته باشند نیازمند است داوطلبان تقاضاهای خود را بدقت روزنامه ارسال دارند.

## حمایت از قرآن و آزادی مطبوعات خبرنگار صریح بشاه چه گفت

ظہیدن های دلها ناله شد آهسته آهسته  
 رساتر گر شود این ناله ها فریاد می کرد  
 بطوریکه در این عکس مشاهده مینمائید طبق معمول همه ساله شاه (مخلوع) با اتفاق همراهان بمشهد مقدس آمد در فرودگاه چپلوسان و متعلقان جمع بودند پس از تشریفات لازم ضمن گفتار و بیندهاش که همیشه با خاندان جلیل نبوت مخصوصا حضرت رضا علیه السلام و حمایت از قرآن مجید و مبانی شریف اسلامی بدروغ ارادت میورزید. نگارنده سؤال کردم آیا از اهانت به قرآن و مفاتیح مطلبی بشرف عرض رسیده و آیا اوامری جهت دستگیری و تعقیب



کسانیکه به قرآن توهین کردند و شاه بمشهد آمد و موضوع را با او گفتم...! بامن بیچاره چه ها که نکردند.

کسانیکه به قرآن بی احترامی نموده صادر شده... پاسخ این بود بازرسانی برای رسیدگی تعیین نمود؛ فردای روز بعد که شاه مخلوع بشهر بازگشت طبق امریه شماره ۱۷۳۳۹-۴۲۸۸ ساواک و به امضاء رضا جعفری استاندار خراسان مرا از خبرنگاری معزول نمودند. مامور ساواک که از همسایگان من بود بخانه ام آمد کلیه عکسهای که از شبزنده داری های امریکائیه در مشهد مقدس داشتم جمع آوری و مرا با خود برد. بازجویی بوسیله همسایه عزیزم شاهزاده ابوالملوک در سازمان امنیت مشهد شروع شد و پرسید چرا جریان قرآنها را گفتی؟ چرا در روزنامه عکسهای شبزنده داری های امریکائیه را منتشر میکنی چرا و هزاران چراها... روانه زندان سیاسی ساواک شدم مدتها گذشت بقوچان تبعید شدم. دادستان قوچان که از فرقه ضاله بود بجرم حقیقت نویسی مجددا روانه زندان نمود.

پس از زندان بمشهد آمدم تا از زن و فرزندان و مادر پیر صدساله ام دیدن کنم. ولی افسوس برای اینکه دیگر ویرای همیشه نامی و یادی از حمایت قرآن و اسلام در فکرم نپرورانم با دسیسه و نیرنگ یکی دیگر از بازپرسان دادرسی مشهد که عضو ساواک بود روانه زندان شدم. با زندانی سیاسی چه میکردند مطلبی است که از برنامه شکنجه گران که در تلویزیون پخش میشود استنباط مینمائید.

**درمشهد پاکسازی جای خود را به ناپاکی داد**  
 در تمام سطح کشور دم از پاکسازی و بهداشت زده شد درشهر مقدس و قدیمی که چشم و چراغ مردم مسلمان جهان است این کار به مرحله عمل درآمد از استاندار و شهردار گرفته تا کورده کودستانی هر یک به سهم خود در این راه همت نمودند و بپا خاستند دیری نپایید که این پاکسازی جای خود را به خودسری و ناپاکی تبدیل ساخته بازار فروش گوسفندان و چهارپایان به تمام نقاط شهر کشیده شده و از نقاط معین هم به حساسترین نقطه شهر آمده است و متأسفانه تذکر مامورین برزنه و بهداشت شهری نیز اثری ندارد. سلامت و بهداشت مردم در این ایام گرم تابستان در خطر است.

محمدزندی - خبرنگار پرخاش - مشهد

**آگهی تغییرات شرکت فورتون**  
 با مسئولیت محدود ثبت شده به شماره ۴۱۳۶۹ طبق صورتجلسه مجمع شرکاء مورخ ۲۲/۲/۱۳۵۸ شرکت نامبرده آقای هراج آنجویا سنگردی مبلغ سیصد هزار ریال سهم - شرکت خود را از صندوق شرکت دریافت نمود و از شرکت خارج گردید در نتیجه سرمایه شرکت از نصد هزار ریال به شصصد هزار ریال کاهش یافت و میزان

### آگهی تاسیس

شرکت راه و ساختمان ثانی پل با مسئولیت محدود در تاریخ ۲۶/۲/۵۸ تحت شماره ۳۳۶۴۶ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر آگهی میشود:

- ۱- موضوع شرکت: انجام کلیه امور مربوط به راه و ساختمان (اسفالت کاری، خاکبرداری و امثالهم) خانه و آپارتمان سازی، لوله گذاری و لوله کشی و تاسیسات و مقاطعه کاری آنها، واردات مصالح ساختمانی و سایر کالاهای مجاز و مربوطه. ۲- مرکز اصلی شرکت: تهران میدان انقلاب (۲۴ اسفند سابق) پاساژ ایران طبقه سوم پلاک ۱۰۰
- ۳- سرمایه شرکت: مبلغ یکمیلیون ریال.
- ۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقایان اسمعیل خضرائی بسمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل و محمد ناصری و اصلان ناصری سردهائی بسمت سایر اعضاء هیئت مدیره بمدت نامحدود انتخاب و حق امضاء با مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره متفق و مهر شرکت میباشد.

مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی  
 آ - ش - ۱۲۰ م الف ۲۵۹۱

**آگهی تاسیس شرکت لسکو کلايه (با مسئولیت محدود)**  
 شرکت لسکو در تاریخ ۲۹/۲/۱۳۵۸ تحت شماره ۳۴۶۲۹ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر برای اطلاع عموم آگهی میشود:

- ۱- موضوع شرکت: انجام کلیه کارهای ساختمانی، ویلا سازی، شهرک سازی، راه سازی، پل سازی و کلیه عملیات ساختمانی گسائنه سویل و ادارات ماشین آلات ساختمانی و مصالح ساختمانی و نیز مصالح و عرضه آن بکلیه بازارهای ایران و کلیه عملیاتی که بطور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع شرکت مربوط شود.
- ۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان رامسر، شماره ۸۲
- ۳- سرمایه شرکت، یک میلیون ریال
- ۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقای شاهرخ بابک بسمت مدیرعامل شرکت تعیین و با تفویض کلیه اختیارات قانونی و مواد اساسنامه حق امضاء اوراق و اسناد بهادار چک، سفته، بروات، قراردادهای رسمی و عادی و مکاتبات با امضاء منفرده مدیرعامل با مهر شرکت میباشد.

مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی  
 آ - ش - ۱۲۳ م الف ۵۲۸۸

**آگهی تغییرات در شرکت آلوران با مسئولیت محدود ثبت شده به شماره ۲۱۸۲۰**

باستناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۲۵/۲/۵۸ تغییرات زیر در شرکت نامبرده بعمل آمد ۱- آقایان حاج سید مرتضی سادات موسوی آقای محمد سادات موسوی خدابخش دلارام سید محمد کریمی حقیقی و محمدرضا مسرفروش بسمت اعضاء هیئت مدیره انتخاب شدند که آقای حاج سید مرتضی سادات موسوی به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای محمد سادات موسوی بسمت مدیرعامل و آقای سید محمد کریمی حقیقی بسمت مدیر امور مالی شرکت تعیین گردیدند ۲- کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور و کلیه قراردادهای مالی و چکها و اوراق اداری با دو امضاء یکی توسط رئیس هیئت مدیره یا شخص مدیرعامل و دیگری مدیر امور مالی یا مهر شرکت معتبر میباشد ۳- آدرس شرکت بنشانی خیابان فرح آباد ژاله مقابل باشگاه افسران نیروی هوایی پلاک ۵۵۳ طبقه ۳ انتقال یافت.

مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی  
 آ - ش - ۱۱۹ م الف ۵۲۸۹

### آگهی تاسیس

شرکت آب صافی با مسئولیت محدود در تاریخ ۲۶/۲/۵۸ تحت شماره ۳۳۶۵۰ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه آن بشرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میشود:

- ۱- موضوع شرکت: تهیه و نصب دستگاههای مربوط به تصفیه آب آشامیدنی، صنعتی، فاضلاب و سرویس آنها و امور تاسیساتی مربوط به آن و واردات لوازم و وسایل فنی و صنعتی و کلیه کالاهای بازرگانی و اخذ نمایندگیهای داخلی و خارجی و ترخیص کالا از گمرکات کشور و انجام کلیه معاملات مجاز و انجام کارهای مربوط به شوقاژ و تهیه مطبوع.
- ۲- مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان انقلاب پاساژ یاقوت
- ۳- سرمایه شرکت: مبلغ یکمیلیون ریال
- ۴- مدیران و دارندگان حق امضاء: آقایان میرمهدی واحد نژاد فرد بسمت رئیس هیئت مدیره و میرصد واحد نژاد فرد بسمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره برای مدت نامحدود تعیین و امضاء کلیه اوراق و اسناد مربوط به شرکت از قبیل چک، سفته، برات، قراردادهای تعهدآور و اسناد رسمی با هر یک از اعضاء هیئت مدیره منفرده و یا مهر شرکت میباشد.

مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی  
 آ - ش - ۱۱۴ م الف ۵۲۹۶

**آگهی انحلال شرکت اس-بی-اف**  
 با مسئولیت محدود ثبت شده دانش پلاک ۶ ضمنا مدیر تصفیه بشماره ۴۱۱۵۷ برابر تصمیم مجمع عمومی فوق العاده مورخه ۲۳/۲/۵۸ شرکت مذکور منحل گردید و آقای حسن پدرام بسمت مدیر تصفیه انتخاب شد. نشانی مدیر

مدیر کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی - یحیی مدنی  
 آ - ش - ۱۱۷ م الف ۵۴۹۵



سخن کوتاه هفته :  
از کاروانسرا سنگی تا دانشگاه تهران

یازدهم نخبای عروسکهای ارتجاعی و استعماری بدست طرفداران قوه انحصارطلبان داده شد و همراه با آن زنگ خطری مجدد بصدا درآمد.

در این مقطع از زمان سکوت در قبال رویداد هائی چون حادثه روز جمعه (اول تیرماه) دانشگاه خیانت آمیزتر از هر موقعیتی است. روزجمعه اعضاء و طرفداران جبهه دمکراتیک ملی جهت اظهارنظر پیرامون قانون اساسی در محوطه زمین چمن گرد آمده بودند ولی قبل از شروع برنامه گروهی حادثهجوی استبدادپیشه یا شاید صادق وفادان اما تحریک شده، با شعارهای همیشگی و طرحی نه چندان نو شروع به رجزخوانی و برهم زدن گردهمایی کردند.

نیک روشن است که چنین گروهها و دسته‌هایی اگر ازالف تایاه شناخته نشده باشند، حداقل هدف و قصدشان و منابعی که می‌توان آنها را بداند منتسب کرد کاملا قابل تمیزند، اگر نه با اسم که بازهم.

همه حادثه کاروانسرا سنگی را قبل از پیروزی بر شاه خائن بیاد دارند، که چگونه گاردیهای آریامبری با چوب و چماق به جان آزادیخواهانی که در آن محل جمع شده بودند تا آواز فریاد را در گروه کر آزادی تمرین کنند حمله کردند و زنان و کودکان را حتی از ضربه‌های چماق خویش معاف نکردند، راستی چه تفاوتی است میان حادثه کاروانسرا سنگی و حادثه روز جمعه دانشگاه و روزهای جمعه (که روزها همه یکسر به آدینه منتهی اند گویا).

آنچه در این میان بیشتر از هر چیز خورده فکری صاحبان اندیشه شده است سکوت یاس آمیز دولت و مسئولان امر است. ما که هنوز آثار ضربه چماقداران و زنجیرهای ساواک را در جان و تن خویش داریم تفر خود را از هرگونه اعمال فاشیستی و ضد آزادی با صدای بلند اعلام می‌داریم، باشد که دولت در این امر نیز با قاطعیتی که نیازمند آنست اقدام کند و بهانه را از دست کسانی که مدعی فشار و اختناق اند بگیرد.

سفارش دهنده میریزند ما از مسئولان بانک مرکزی و گمرک می‌خواهیم متوجه این حیلها باشند و از خوانندگان وطن پرست می‌خواهیم چنانچه مواردی را سراغ کردند ما را در جریان بگذارند.

آقای وزیر بهمداری بخودتان هم گران می‌فروشند

یکی از پزشکان وارد به پرخاش گفته است که قیمت وسایل و ادوات پزشکی و دندان پزشکی در چند ماهه اخیر بوضع سرسام‌آوری بالا رفته و واردکنندگان آن که با بست و بند با گمرک سابق توانسته‌اند ادوات مورد نیاز پزشکی کشور را حتی بصورت انحصاری وارد کنند و حقوق گمرکی کافی هم نپرداخته‌اند بدون رعایت حق و انصاف وسایل مورد نیاز درمان و بهداشت مردم را بچند برابر می‌فروشند و جالب اینجاست که وزارت بهمداری که باید خود کنترل‌کننده این قیمتها باشد در بعضی موارد وسایل را با قیمتی گران خریداری می‌کند گزارش رسیده اشاره‌ای بمعاملات مربوط باین وسایل در بهمداری شمیران دارد که امیدواریم آقای دکتر سامی دستور رسیدگی باصل و فرع قضیه را بدهند اصل قضیه آنکه معلوم شود هر یک از این ادوات بچه مبلغ خریداری و چه مبلغ هزینه حمل و گمرک داشته و بچه مبلغ فروخته‌اند و بالاخره قیمت واقعی این وسایل مورد نیاز سازمان‌های پزشکی چقدر است بطور مثال طلای مورد نیاز دندانسازی کشور در انحصار چه کسانی بوده و بچه قیمت بخلق الله فروخته‌اند.

دکتر نیلی و شرکت مغایرات

اطلاع یافتیم که هفته گذشته دکتر حسن نیلی مدیر عامل یا قائم مقام شرکت مغایرات پس از چهار ماه کشمکش برای اصلاح وضع مغایرات در حالیکه از توفیق در کنار خود مایوس شده بود از کار کناره گرفت. نامبرده که از متخصصان و اساتید مسلم رشته الکترونیک در ایران است علت استعفا خود را عدم امکان خدمت در شرایط فعلی اعلام کرد. امیدواریم شرایط اجتماعی کشور بشکلی نباشد که فقط افراد غیرمتخصص داوطلب کارهای اساسی باشند. پرخاش در آینده باین موضوع اساسی توجه بیشتری مبذول خواهد داشت.

خیر مقدم به بامشاد و پوروالی

هفته گذشته مجله جامع و خواندنی بامشاد زیر نظر و بقلم همکار شایسته و روزنامه‌نگار ممتاز اسماعیل پوروالی منتشر شد. روزنامه‌نگاری در ایران که یا گرفتار ابتلاات دیکتاتوری و سانسور است و یا گرفتار هرج و مرج و نابسامانی، مردی کار آمد و شایسته چون پوروالی می‌خواهد که در هر دوره بتواند امتیاز و برتری خود را بنمایاند و به اوراق بازاری و کودکانه شیوه روزنامه‌نویسی را بچمباند.

پوروالی معلمی دانا - نویسنده‌ای توانا و انسانی صریح و با صفاست و درسیاست صراحت و مردمی را با حسن سلیقه و دانش بهم می‌آمیزد.

مجله جدید بامشاد باشکل و محتوای خود آبروئی است برای مطبوعات آبرویخته ایران و تکیه گاهی است برای حق‌گذاری و فضیلت که این روزها بازاری کساد دارد.

شیوه سیاسی و قاطعانه بامشاد را در دفاع از راه مصدق و خدمات صادقانه‌اش را گرامی می‌داریم و خدمات مطبوعاتی و اداری اسماعیل پوروالی در دوران حکومت مصدق را همیشه مورد نظر و احترام خواهیم داشت.

بامید آنکه بامشاد با همت پوروالی روزنامه‌نگار شایسته عصر ما همیشه مایه آبروی مطبوعات کشورمان بماند.

پرخاش : دور و پیروزی  
شماره ۶۳۱۶۴ : روزنامه‌ی انتشار چهارشنبه  
تأسیس : ۱۳۰۲  
محل انتشار : تهران  
پخش : روزهای شنبه و چهارشنبه  
تلفن : ۶۳۱۶۴  
پخش : روزهای شنبه و چهارشنبه  
تلفن : ۶۳۱۶۴  
پخش : روزهای شنبه و چهارشنبه  
تلفن : ۶۳۱۶۴

انقلابی و انتقال همه دادرسیها بوزارت دادگستری را اضافه کنیم اطمینان بیشتری به ثبات جامعه خواهیم داشت محافل ذیصلاح اینگونه تدابیر را از یکسو دلیل روشن بینی دستگاههای اجتماعی و از سوی دیگر عامل ثبات و آرامش نهائی کشور تلقی کرده‌اند.

شهادت حسینی و قضاوت درباره بختیار

این آقای مهندس کاظم حسینی آدمی است واقعا معصوم انسانی است با فضیلت و شرف که باعتبار ایمان قاطعی که در امور مذهبی دارد اصلا مصلحت را در کارهای سیاسی وارد نمی‌کند و این شیوه دیرینه را هرگز از یاد نمیبرد و این صداقت و صراحت را در مکتب پیشوا پرورش داده است در آن ایام که طرف مشورت آقای دکتر مصدق بود اگر یک دم مصلحت را جای نشین واقعیت کرده بود شاید تاریخ مملکت ما جز این بود هفته گذشته شاهد اظهارنظر این مرد بزرگوار درباره دکتر شاپور بختیار بودیم که گفت: «تاریخ درباره بختیار باید قضاوت کند چه از شخصی مانند بختیار نمیتوان قبول کرد که وی از طرف اجنبی بر مسند قدرت نشسته و قصد خیانت بکشور را داشته است شرایط زندگی خانوادگی - وضع مادی - مبارزات گذشته نمیتواند بخیانت شاپور بختیار فتوا بدهند.» این اظهارنظر شجاعانه حسینی در شرایطی که مقامات بالای انقلاب هر بار او را خائن خوانده‌اند با اهمیت تلقی شده است باید دانست که حسینی اساسا اهل دسته بندی و اعمال نظرات شخصی نیست و در همین هفته گذشته بود که راه پیمائی حزب جمهوریخواه خلق را خلاف مصلحت دانسته و برای جلوگیری از آن صمیمانه کوشش میکرد، حسینی بهرچه عقیده دارد میگوید و انجام میدهد.



وجوهی که از منزل بختیار غارت شد

یکی از دوستان پرخاش از اصفهان اطلاع داده است که در دوران کوتاه حکومت دکتر شاپور بختیار چندتن از بانوان بختیاری که بعلت حمله ببانکها و دیگر مسائل از داشتن پول در بانکها نگران شده بوده‌اند موجودیهای خود را از بانکها خارج کرده و بتصور اینکه خانه بختیار بعلت نخست وزیر بودنش محل امنی است وجوه مزبور را هر یک در پاکت جداگانه گذاشته و با اعلام مبلغ بدکتر بختیار می‌سیارند، دکتر بختیار نیز عینا این امانت‌ها را در صندوق می‌گذارد که در نتیجه حمله بخانه‌اش آن وجوه نیز غارت میشود، اینک بقرار اطلاع دکتر شاپور بختیار ضمن ارسال وکالت‌نامه‌ای تقاضا کرده است خانه او را بفروشند و بهای آنرا طبق صورتی که فرستاده بصاحبان آن وجوه امانتی پرداخت کنند فرستنده این خبر این اقدام دکتر بختیار را دلیل دیگری بر امانت او میدانست.

خانه بختیار در اختیار مستضعفین

طبق اطلاع واصله خانه دکتر شاپور بختیار آخرین نخست وزیر رژیم منحل، پس از غارت بتصرف چند خانواده مستضعف درآمده ومدتی است که در آن خانه سکنی گزیده‌اند، شنیده شد دختری بختیار بمقامات دولتی و انقلاب مکررا مراجعه کرده و تقاضای تحویل خانه را کرده است ولی اقدامات معموله به نتیجه نرسیده و هنوز زور دستگاهها برای تخلیه منزل بزور مستضعفین نچربیده است شنیدیم دختر ایشان هنوز برای تحویل گرفتن خانه و واریز تمهیدات بختیار تلاش میکند.

مسئولان بانک مرکزی - گمرک - متوجه حیلها باشند بنام افتتاح اعتبار سرمایه‌ها را خارج میکنند

اطلاع یافتیم که پس از سخت‌گیریهای بانک مرکزی و دولت در زمینه جلوگیری از خروج ارز رندو وارد بحیله جدیدی دست زده‌اند باین شرح که یا توافق با کمپانیهای طرف قرار داد اعتبار بیشتر از حد نیاز برای اجناس مورد سفارش افتتاح میکنند و بعد بصورتی جنس مزبور را از گمرک خارج کرده و مابه‌التفاوت قیمت حقیقی و قیمت صوری که برای آن افتتاح اعتبار کرده‌اند در کشور مقصد بحساب

فراریان ایرانی در لندن چگونه زندگی میکنند

خبرنگار پرخاش از لندن گزارش میدهد وضع زندگی ایرانیان فراری و وابستگان پرژیم سابق بعلت تمهیداتی که سفارت ایران در کارشان اعمال کرده با مشکلاتی روبرو گردیده است زیرا طبق دستور دولت سفارت ایران از هرگونه همکاری با این فراریها ممنوع گردیده و در شرایط فعلی حتی قادر نیستند وکالتنامه هم برای انجام امور خود تنظیم و بگواهی سفارت برسانند. از سوی دیگر هر یک از عناصر مشکوک که برای تمهید یا مراجعه‌ای دیگر گذرنامه خود را بسفارت ارائه میدهد سفارت گذرنامه را ضبط میکند و در نتیجه حضرات بدون گذرنامه میشوند این تدابیر در مورد دسته‌ای از فراریها که وضع مالی مناسبی ندارند بسیار کارساز بوده است ولی صاحبان ثروت‌های بادآورده برای جبران آن به تدابیر متقابل دست می‌زنند و درصدد تهیه تابعیت دیگری برمی‌آیند.

تدابیر انگلیسیها برای کم کردن فراریها

مقامات انگلیسی برای آنکه ایرانیان بدون گذرنامه ناگزیر از اقامت در آن کشور نشوند بابتکار جالب توجهی دست زده‌اند که در فرودگاه هیثرو یک برك خروج شامل مشخصات و عکس شخص مورد نظر صادر و او را بامان خدا می‌سپارند. گفته شده است این برك خروج در حد یک گذرنامه عادی برای ورود به بعضی از کشورها (مخصوصا کشورهاییکه احتیاج بویزا ندارند) دارای اعتبار می‌باشد و تاکنون عده‌ای از وابستگان پرژیم سابق با این برگها لندن را بسوی کشورهای دیگر اروپائی ترک کرده‌اند.

آژانس تهیه تابعیت برای فراریها

از لندن گزارش داده‌اند که بعضی از آژانسها با ایجاد ارتباطاتی موفق شده‌اند موافقت چند کشور را برای صدور تابعیت بنام ایرانیان فراری جلب کنند درصدد لیست این کشورها از لبنان نامبرده شده است که با دادن ده هزار پوند میتوان برك تابعیت آنجا را بدست آورد. هم چنین گواهی تابعیت لوکزامبورک برقمی در حدود سی هزار پوند تهیه و با اختیار متقاضیان گذاشته میشود شنیده شده که بعضی از آژانسها مدعی شده‌اند که میتوانند تابعیت سوئد و سویس را نیز تحصیل کنند منتهی این گواهی برای متقاضیان حدود پنجاه هزار پوند تمام خواهد شد. درباره این فراریها توجه باین واقعیت ضروریست که دزدان نامداری چون مصباح جالینوس و محمد ظهیری و از آنها بدتر آدمکشانی چون ثابتی در هر کجا و با هر تابعیت و بهر شکل که بروند هم مجازاتشان در محل امکان پذیر است هم بازگرداندنشان.

لغو برگهای جلب کافی نیست از صدور بی‌رویه این اوراق جلوگیری کنند

هفته گذشته آقای هادوی دادستان کل طی اطلاعیه‌ای بی‌اعتباری برگهای جلب صادره را که تا آخر خرداد اجرا نشده بود صادر کردند تا با رسیدگی مجدد در هر مورد اقدام شایسته انجام گیرد. خبرنگار پرخاش در توضیح این خبر اضافه میکند که بر لغو این برك جلبها تا زمانیکه کار کمیته‌ها و دادسراها شکل صحیحی بخود نگیرد فایده‌ای مترتب نیست زیرا باز هم حضرات دوباره بنام هرکس مایلند برك لازم را تهیه میکنند. چنانچه هفته گذشته برك جلب سرتیپ ولی فلاحی فرمانده نیروی زمینی در روزنامه کار چاپ شد و در آیندگان هم نقل شد این اشخاص و روزنامه‌ها اصلا ارتش را برای کشور لازم نمیدانند - گفته شده است که در اصلاح این امر ابتدا مأموران دولت باید راه قانون را برای اصلاح امور انتخاب کنند و دیگر وزیري در تهران ذبح گوسفند را در صلاحیت مراجع انقلابی نداند و فلان مأمور دولت هم در شهرستان هم کار یک مدرسه کوچک را بدادسرای انقلاب حواله ندهند. بگمان ما باید دستگاههای انقلاب فوراً از مداخله در مسائل عادی و روزمره مردم اجتناب ورزند و فقط بکار مسائل مربوط بمعامل رژیم سفاک بپردازند. این قبیل مداخله کاریها ارج انقلاب را پائین می‌آورد و بضداً انقلاب فرصت تحریک تقنین میدهد و مردم را هم نگران می‌سازد. امیدواریم در صدور اوراق جدید اقلاً ضابطه‌ای فراهم گردد تا مقصود دادستان کل جامه عمل بپوشد.

اقدامات دولت و دادستان انقلاب مایه امید شده است

روز دوشنبه گذشته بازم اعلامیه جالبی داشتیم از آقای هادوی دادستان کل انقلاب که در اجرای نظریه امام مقرر داشته بودند که بکار همه بازداشتیهای دادسراهای انقلاب رسیدگی شود و جز متهمین بقتل و جنایات آشکار کسی در زندان نماند در اعلامیه آمده بود که در آینده نیز قبل از جمع آوری دلائل و بدون اجازه دادستان کل نباید کسی توقیف شود که اگر بر این اقدامات تصویب لایحه محاکمات